

## اثر ایدئولوژی بر ترجمه خبر: یک مطالعه موردی

علیرضا خانجان (دکتری زبان‌شناسی دانشگاه اصفهان)

alirezakhanjan@gmail.com

### چکیده

در مقاله حاضر در چارچوب الگوی «تحلیل انتقادی ترجمه» (خانجان، ۱۳۹۰، ۱۳۹۱) به مطالعه نقش ایدئولوژی در ترجمه متون خبری پرداخته می‌شود. نمونه‌ای به حجم ۳۸۱ رویداد خبری که از زبان‌های انگلیسی به فارسی ترجمه و منتشر شده‌اند، به شیوه خودگزینی انتخاب شد و پس از تحلیل کیفی داده‌ها، با استفاده از فرم‌های تحلیل محتوای محقق‌ساخته، اطلاعات متغیرهای موردنظر از آن‌ها استخراج گردید. سه فرضیه از چهار فرضیه اصلی از طریق آزمون محاسبه «ضریب همبستگی پیرسون» و فرضیه دیگر با استفاده از آزمون «مقایسه میانگین‌های چند جامعه»، آزمون «ولچ» و آزمون تعقیبی «تام هنس» بررسی شد. یافته‌های تحقیق مبین آن است که واکنش مترجم یا تولیدکنندگان متون خبری مقصد (فارسی) درقبال رویدادهای خبری مبدأ (انگلیسی) غالباً رفتاری ایدئولوژیک بوده است؛ به‌گونه‌ای که در اکثر موارد، رویداد مقصد را می‌توان صرفاً «دگرگفتی» از رویداد مبدأ به‌شمار آورد. درمیان سه راهبرد کلان دخالت در محتوای ایدئولوژیکی متون مبدأ، راهبرد «حذف» به‌طور میانگین بیش از دو راهبرد «تعدیل» و «درج» به خدمت گرفته شده است؛ اما بین کاربرد دو راهبرد اخیر تفاوت معناداری مشاهده نمی‌شود. همچنین، نتایج تحقیق مبین آن است که در جریان تولید متون خبری مقصد، سطوح مختلف لایه واژگی-دستوری زبان مشتمل بر ساخت‌های سه‌گانه گذرایی، وجهی و متنی جملگی از صورتبندی‌های ایدئولوژیکی تأثیر می‌پذیرند و این تأثیرپذیری منحصر به ساخت‌های گذرایی و وجهی نیست. به‌عنوان یک قاعده کلی، نبود همسویی ایدئولوژیکی بین تولیدکنندگان گزارش‌های خبری مبدأ و مقصد، از میزان صراحت بیان در متون مقصد می‌کاهد و بر میزان ابهام در بیان می‌افزاید. علاوه‌براین، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که برخلاف تصور غالب، معنای متنی زبان نیز می‌تواند مَحملی برای انتقال ایدئولوژی (در ترجمه) باشد و در کنار معانی اندیشگانی و بینافردی در ایجاد نقش‌های کارکردی رویدادهای ارتباطی سهیم گردد و بنابراین نمی‌توان در نقد ترجمه و در تحلیل میزان دست‌یابی به تعادل نقشی از آن چشم‌پوشی نمود.

**کلیدواژه‌ها:** نقد ترجمه، الگوی تحلیل انتقادی ترجمه، ترجمه متون خبری، ایدئولوژی.

## ۱. مقدمه

در فرایند ترجمه، مترجم به‌طور دائم در محاصرهٔ ایدئولوژی‌های گوناگونی است که در انتخاب‌های زبانی او ایفای نقش می‌کنند: ایدئولوژی مؤلف متن مبدأ، ایدئولوژی کارفرما، انتظارات و ترجیحات عقیدتی مخاطب هدف و دیدگاه‌های فکری خود مترجم. هریک از این نظام‌های اعتقادی به‌نوبهٔ خود بر مترجم تأثیر می‌گذارند و او را خواسته یا ناخواسته به‌سمت راهبردهای ترجمه‌ای مشخصی سوق می‌دهند (الشهاری، ۲۰۰۷). این وضعیت به‌ویژه در مورد مترجمانی که در محیط‌هایی با ماهیت ایدئولوژیکی از جمله در خبرگزاری‌ها یا تحریریهٔ روزنامه‌ها فعالیت می‌کنند، به شکل بارزتری مصداق می‌یابد؛ جایی که مترجم عموماً ناگزیر از همسویی با مواضع و خط‌مشی فکری ناشر یا کارفرما است و محصول کار او اغلب از صافی ایدئولوژیکی اعمال نظر ویراستار، دبیر سرویس یا سردبیر می‌گذرد. در ترجمهٔ خبر گاهی اوقات روابط تعادلی تا حد زیادی مخدوش می‌شوند؛ به‌گونه‌ای که اغلب به‌دشواری می‌توان تشخیص داد که متن مبدأ کدام است و آیا اساساً متن مقصد ترجمهٔ یک متن واحد است یا متنی مشتمل بر اطلاعات استخراج‌شده از متون متفاوت است (الشهاری، ۲۰۰۷). در گزارش‌های خبری، «معمولاً نام مؤلف ذکر نمی‌شود» (بانی، ۲۰۰۶، ص. ۳۶) و این خود احتمال حضور عناصر واسطه را در فرایند تولید و ترجمهٔ خبر قوت می‌بخشد و به‌نوبهٔ خود، امکان دخالت ایدئولوژیکی آن‌ها را در ماهیت عینی خبر افزایش می‌دهد.

افزون‌براین، مقتضیات زندگی بشر در دوران مدرن به‌گونه‌ای رقم خورده است که تصور انسان بدون زبان ناممکن به‌نظر می‌رسد. «تار و پود زبان آنچه‌مان را دربر گرفته است و آنچه‌مان در زبان غوطه‌وریم که بسیاری از اوقات از تأثیرات عمیقی که ممکن است زبان بر حیات اجتماعی و حتی زندگی خصوصی ما داشته باشد، غافلیم» (سلطانی، ۱۳۸۴، ص. ۱۳). بخش عمده‌ای از این پدیده منبعت از تداخل و گاهی تراحم حیات انسان در حیات رسانه‌های همگانی است. شاید اغراق نباشد اگر گفته شود که تک‌تک جمله‌ها و واژه‌هایی که در رسانه‌های جمعی و مطبوعات تکثیر می‌شوند، زندگی ما را تحت تأثیر قرار می‌دهند (سلطانی، ۱۳۸۴، ص. ۱۳)؛ بنابراین، این پرسش مطرح می‌شود که آیا مطبوعات بازتاب عینی واقعیات اجتماعی‌اند یا اینکه به‌طور بالقوه از امکان تحریف واقعیت به‌واسطهٔ کاربرد هدفمند زبان برخوردار هستند؟

نکته در اینجا است که حضور رسانه‌های همگانی در حوزه عمومی به معنای حضور مناسبات قدرت سیاسی در حیات اجتماعی افراد است و سیاست در هر صورت با ایدئولوژی عجین است. تحقیقات دهه‌های اخیر در غرب نشان داده‌اند که ادعای بی‌طرفی مطبوعات و رسانه‌های جمعی که بنگاه‌های سخن‌پراکنی آن را همه‌روزه و به‌کرآت در بوق و کرنا می‌کنند، ادعای بی‌اساسی است. مطبوعات صرفاً بازگوکننده واقعیات پیرامون خود به‌صورتی بی‌طرفانه نیستند؛ بلکه کارکرد آن‌ها اساساً ماهیتی ایدئولوژیکی دارد؛ مطالب و محتوای مطبوعات جهت‌مند است و واقعیت‌های زمانه خود را به شیوه‌هایی که خاص منطق مطبوعات است بازنمایی می‌کنند» (سلطانی، ۱۳۸۴، ص. ۱۵).

در این میان، بخش قابل ملاحظه‌ای از گفتمان رسانه‌ای مشتمل بر متون خبری است که به‌طبع در بخش رویدادهای بین‌المللی به نحوی از انحاء با ترجمه سروکار پیدا می‌کند. بدیهی است که در سطح روابط بین‌الملل، به دلیل تعارضات ایدئولوژیکی و تضاد منافع سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و غیره، به‌طور بالقوه امکان عبور متون خبری مبدأ از صافی ایدئولوژیکی مترجم یا سایر عناصر دخیل در فرایند تولید خبر در نظام مقصد وجود خواهد داشت. پرسش این است که در صورت مفروض دانستن احتمال زیاد دخالت ایدئولوژیکی در محتوای عینی خبری که قرار است از رهگذر فرایندهای ترجمه‌ای و پس‌اترجمه‌ای به مخاطب نظام مقصد برسد، آیا می‌توان بازتاب این دخالت‌ها را در ویژگی‌های صوری متن مقصد نشان داد. در پژوهش حاضر بر آن هستیم تا با معرفی الگویی کاربردی با عنوان «تحلیل انتقادی ترجمه»<sup>۱</sup> که در واکنش به «الگوی ارزیابی کیفیت ترجمه»<sup>۲</sup> جولیان هاووس (۱۹۹۷، ۲۰۰۹) به وجود آمده است، پاسخی درخور برای این پرسش اساسی بیابیم.

دامنه پژوهش مشتمل بر آن دسته از متون خبری معاصر (در مقطع زمانی ۱۳۹۰-۱۳۸۶) است که از زبان‌های انگلیسی به فارسی ترجمه شده‌اند و در وبگاه خبرگزاری‌های داخل کشور منتشر گردیده‌اند. در میان انواع مختلف متون خبری، تحقیق حاضر به اخبار سیاسی محدود خواهد شد که از ظرفیت بالقوه بروز تقابل ایدئولوژیکی برخوردار هستند و انواع دیگر خبر از قبیل اخبار ورزشی، حوادث یا رویدادهای علمی در پژوهش حاضر مدنظر نخواهند بود. در این رابطه، پرسش آغازین پژوهش حاضر آن است که

1 Critical Translation Analysis (CTA) Model

2 Translation Quality Assessment Model

آنچه امروزه در رسانه‌های همگانی ایرانی به نام «ترجمه» اخبار بین‌الملل در اختیار مخاطب فارسی‌زبان قرار می‌گیرد، تا چه حد تحت تأثیر عوامل ایدئولوژیکی است؟ برای پاسخ به این پرسش کلی، پرسش‌های ویژه‌ای مطرح می‌شوند مبنی بر اینکه آیا اساساً می‌توان علائق ایدئولوژیکی مترجم (یا عوامل تولیدکننده متون خبری مقصد) را در قالب راهبردهای زبانی مشخص در متون یادشده ردیابی کرد؟ پرسش دیگری که در تحقیق حاضر سعی در پاسخ به آن خواهیم داشت این است که آیا اصولاً می‌توان رابطه‌ای بین علائق ایدئولوژیکی مترجم (یا عوامل تولیدکننده متون خبری مقصد) و میزان رازگونگی<sup>۱</sup> زبان (میزان ابهام در بیان) در این متون پیدا کرد؟ همچنین، تلاش بر این است که تا جایی که امکان دارد، راهبردهای دخالت ایدئولوژیکی معمول در ترجمه متون خبری را طبقه‌بندی نماییم؛ به گونه‌ای که بتوان آن را دست کم در حوزه ترجمه از زبان مبدأ به زبان مقصد حاضر تعمیم داد. شایان ذکر است که در پژوهش حاضر، بنا به تعریف، ایدئولوژی بازنمود جهان از منظر منافی خاص است (فرکلاف، ۱۹۸۹ ب). این تعریف برداشتی عام از مفهوم ایدئولوژی به دست می‌دهد که صرفاً به یک حوزه به‌خصوص محدود نمی‌ماند و «منافع» موردنظر در آن دربردارنده علائق سیاسی، اقتصادی، مذهبی، اخلاقی، فرهنگی و یا هر نوع علائق دیگری است.

## ۲. پیشینه تحقیق

مطالعاتی چند در حوزه ترجمه متون خبری در ایران به انجام رسیده‌اند که در میان آن‌ها می‌توان به آثار ریاضی (۱۹۹۹)، بخشنده و مصلی‌نژاد (۲۰۰۵)، حاج‌محمدی (۲۰۰۵)، فهیم و فتاحی (۲۰۰۶) و عطاران (۲۰۱۰) اشاره کرد.

ریاضی (۱۹۹۹) در تحقیق خود بر آن بوده است تا کاربرد الگوهای تحلیل متن<sup>۲</sup> را در ترجمه سرمقاله روزنامه‌های ایرانی نشان دهد؛ اما در عمل، به جز پیشنهادی کلی چیزی در مورد جزئیات چگونگی یاری-جستن مترجم از الگوهای تحلیل متن به دست نمی‌دهد. وی تلاش می‌کند تا نشان دهد که کلان-ساخت بلاغی<sup>۳</sup> سرمقاله‌های روزنامه‌های فارسی‌زبان همچون سرمقاله‌های سایر زبان‌ها از جمله انگلیسی و ژاپنی

1 mystification

2 text analysis

3 macro-rhetorical structure

است و این امر فرصتی را در اختیار مترجم فارسی زبان خواهد گذاشت تا علاوه بر آگاهی از ساختار کلان سرمقاله‌ای که برای ترجمه به وی واگذار شده است، بتواند در مورد ساختار کلی متنی که قرار است در زبان فارسی ایجاد کند، تصمیم‌گیری نماید. ریاضی در مورد پیامدهای ایدئولوژیکی اشراف بر ساختار بلاغی متون خبری در ترجمه این متون صحبتی به میان نیاورده است.

بخشنده و مصلی‌نژاد (۲۰۰۵) در مقاله خود با عنوان «رویکردی تازه به ترجمه خلاق ژورنالیستی» این پرسش را مطرح می‌کند که آیا مترجمان ایرانی شاغل در مطبوعات ایرانی واقعاً درگیر ترجمه اخبار هستند یا آن‌ها را فرآفرینی<sup>۱</sup> می‌کنند؟ این دو به این نتیجه دست یافته‌اند که مترجمانی که متون خبری فارسی را ترجمه می‌کنند، مترجم به معنای متعارف آن نیستند؛ بلکه خود در عمل نویسندگان خبر و گزارشگران خبری هستند. آن‌ها علاوه بر بررسی روال معمول در ترجمه خبر از فارسی به انگلیسی اذعان می‌دارند که مترجمان اخبار در گیرودار کار همواره ناگزیر از اعمال تغییراتی در صورت و ساختار بلاغی متون مبدأ هستند تا بتوانند ویرایشگران خبری روزنامه متبوع خود را برای انتشار خبر مورد نظر اقناع نمایند. در عین حال، بخشنده و مصلی‌نژاد به صراحت بحثی در مورد تأثیرات احیاناً ایدئولوژیکی این حذف و اضافات و تعدیلات بلاغی به میان نمی‌آورند.

حاج محمدی (۲۰۰۵) به دنبال آن است تا نشان دهد که اغلب رویکردهای ارزش‌یابی ترجمه که از سوی محققان و مدرسان ترجمه به خدمت گرفته می‌شوند، با نیازهای بازار ترجمه همخوانی ندارند. وی علاوه بر شرح شرایط کاری حاکم بر ترجمه خبر در خبرگزاری‌های ایرانی، از احتمال [همیشگی] انحراف عوامل تولیدکننده متون خبری مقصد از اصل خبر به اقتضای خط‌مشی فکری مؤسسه و آن چیزی که در آن خبرگزاری‌ها به عنوان «اخلاق جاری»<sup>۲</sup> تلقی می‌شود، سخن می‌گوید. وی خاطر نشان می‌سازد که معیار «تعادل نقشی» که هاووس (۲۰۰۱C) برای ارزیابی ترجمه پیشنهاد می‌کند، در محیط کار خبرگزاری‌ها کارساز نیست؛ زیرا کارفرمای ترجمه خود را محق می‌داند که براساس اخلاقیات و خط‌مشی‌های حرفه‌ای سازمانی که برای آن قلم می‌زند، از محتوای متن مبدأ فاصله بگیرد؛ علاوه بر آنکه پیش‌نویس خبر ترجمه شده برای ویرایش زبانی و ویراستاران و احیاناً بازنگری محتوایی از صافی‌های متعدد گذر می‌کند تا نوبت به

1 transcreation

2 current ethics

«اعمال سلايق و نظرات [نوعاً ايدئولوژيکي] ناشر، سازمان پخش خبر و نهادهای دولتي دخيل» برسد (حاج محمدی، ۲۰۰۵، ص. ۲۱۶). اين نتیجه‌گیری یادآور دیدگاه وورینن (۱۹۹۵) به نقل از بانی، ۲۰۰۶، ص. ۳۸ است؛ مبنی بر اینکه «در تمام مراحل ترجمه متون خبری که از انتخاب متون مبدأ آغاز می‌شود و تا انتشار واکنش خوانندگان به متون ترجمه‌شده ادامه می‌یابد، همواره درگاه‌دارانی<sup>۱</sup> حضور دارند که جریان اطلاعات را تحت کنترل می‌گیرند».

فهمیم و فتاحی (۲۰۰۶) تلاش می‌کنند تا بر مبنای فرضیه فرایز (۱۹۹۵) تغییرات الگوهای آغازگری- بیانگری<sup>۲</sup> و شیوه‌های گسترش متن<sup>۳</sup> را در فرایند ترجمه از انگلیسی به فارسی در بافت گفتمان خبری به- بحث بگذارند. نتایج بررسی مقابله‌ای آن‌ها حکایت از آن داشته است که الگوهای آغازگری- بیانگری متون مبدأ و مقصد مورد بررسی، در اساس مشابه یکدیگر هستند. در عین حال، تحقیق یادشده بحثی در مورد پیامدهای کارکردی تفاوت یا تشابه صوری الگوهای آغازگری- بیانگری و به‌طور مشخص بار ایدئولوژیکي احتمالی حاصل از آن به میان نمی‌آورد و حال آنکه «فرایند مبتداسازی<sup>۴</sup> نوعاً متضمن برجسته- سازی<sup>۵</sup> است» (براون و یول، ۱۹۸۳، ص. ۱۳۵) و این خود احتمال کاربرد ایدئولوژیکي فرایند ذکر شده را مطرح می‌سازد.

عطاران (۲۰۱۰) در چارچوب تحلیل انتقادی گفتمان و به‌طور مشخص اثر فرکلاف (۱۹۸۹ الف) و الگوی پیشنهادی ون‌دایک (۱۹۹۸ الف)، به بررسی نحوه تأثیر ایدئولوژی غالب در وبگاه خبری تابناک بر ترجمه متون خبری خارجی پرداخته است. یافته‌های وی مبین آن است که «جرح و تعدیل واژگان» و «حذف کنش‌ها/ ویژگی‌های بد گروه خودی» دارای بیشترین بسامد و وقوع در ترجمه بوده‌اند. پس از این دو، «جرح و تعدیل عناوین خبرها» بیشترین بسامد و وقوع را داشته است که نشان‌دهنده اهمیت عنوان خبر در جهت‌دادن به تفسیر خوانندگان است. همچنین، یافته‌های نامبرده نشان می‌دهد که گونه‌های «مجهول- سازی» و «دستکاری عاملیت» که در مطالعات تحلیل انتقادی گفتمان توجه ویژه‌ای را به خود جلب کرده-

1 gatekeepers

2 theme-rheme patterns

3 thematic development

4 thematization

5 foregrounding

اند، به‌ندرت در ترجمه متون موردنظر استفاده شده‌اند. به‌نظر می‌رسد عطاران راهبردهای ترجمه‌ای متناظر با مربع ایدئولوژیکی و ن‌دایک را با ابزارهای زبانی منتهی به آن‌ها خلط نموده است؛ چراکه مثلاً «مجهول-سازی» صرفاً یکی از ابزارهای «جرح و تعدیل عاملیت» است و هم‌ارز آن نیست. به‌علاوه، عطاران دخالت‌های اعمال‌شده در محتوای ایدئولوژیکی اخبار مورد مطالعه خود را تماماً به فرایند ترجمه و نقش خود مترجم نسبت می‌دهد و این در حالی است که یافته‌های تحقیقات دیگر (مثلاً پژوهش حاج‌محمدی، ۲۰۰۵) بر تأثیرات ایدئولوژیکی عوامل واسطه بر تولید نهایی متون خبری در نظام مقصد صحنه می‌گذارند.

### ۳. الگوی تحلیل انتقادی ترجمه

الگوی تحلیل انتقادی ترجمه درحقیقت تلاشی در واکنش به الگوی ارزیابی کیفیت ترجمه هائوس (۱۹۹۷، ۲۰۰۹) است و با حفظ استخوان‌بندی الگوی یادشده، مؤلفه‌ها و ابزارهای تحلیلی تازه‌ای به آن می‌افزاید تا زمینه تحلیل ایدئولوژی را در نقد ترجمه فراهم آورد و سطوح خرد تحلیل متنی-زبانی را تا سطوح کلان تحلیل اجتماعی-فرهنگی-تاریخی گسترش دهد.<sup>۱</sup> این الگو که ترجمه را بر مبنای مفهوم «تصفیه» بازتعریف می‌کند، در اساس بر مبنای نظریه زبان‌شناسی سازگانی-نقش‌گرایی هلیدی (۱۹۷۸، ۱۹۸۵، ۱۹۹۴، ۲۰۰۴) استوار است. در الگوی یادشده، ترجمه بنا به تعریف عبارت است از «فرایند گذراندن یک رویداد ارتباطی متعلق به نظام مبدأ از صافی زبان و، در صورت نیاز، صافی‌های فرهنگ و ایدئولوژی در نظام مقصد» (خان‌جان، ۱۳۹۱، ص. ۲۶). در تحلیل انتقادی ترجمه، معیار «تعادل» سلباً یا ایجاباً (نقیماً یا اثباتاً) در کانون توجه تحلیل‌گر/منتقد ترجمه قرار می‌گیرد؛ اما معیار مکمل «بینامتنیت»<sup>۲</sup> نیز به موازات آن به خدمت گرفته می‌شود. شرط اساسی برقراری تعادل آن است که ترجمه بایستی واجد نقشی معادل نقش رویداد مبدأ (مشمول بر مؤلفه‌های سه‌گانه اندیشگانی، بینافردی و متنی<sup>۳</sup> معنی) باشد؛ یعنی همان کاری را در نظام زبانی-فرهنگی مقصد انجام دهد که رویداد زبانی مبدأ در نظام زبانی-فرهنگی مبدأ

۱ مقاله حاضر نگاهی گذرا بر الگوی تحلیل انتقادی ترجمه خواهد داشت. برای آشنایی بیشتر با الگوی ذکرشده، به خان-

جان (۱۳۹۱ الف) و خان‌جان (۱۳۹۱ ب) مراجعه نمایید.

2 intertextuality

3 ideational/interpersonal/textual

کرده است. به عبارت دیگر، منظور از نقش در تحلیل انتقادی ترجمه، «کاربرد رویداد زبانی در یک بافت موقعیتی معین» است.<sup>۱</sup>

به طور کلی، الگوی تحلیل انتقادی ترجمه همچون الگوی ارزیابی کیفیت ترجمه بر این ایده بنیادین شکل گرفته است که «متن» و «بافت موقعیتی» را نمی توان از یکدیگر جدا کرد؛ بلکه به گفته هیلیدی، «بافتی که متن در آن جاری می شود، از طریق روابط نظام مند بین محیط اجتماعی و سازمان نقشی زبان در متن تجلی پیدا می یابد» (هیلیدی، ۱۹۸۹، ص. ۱۱، به نقل از هاوئس، ۲۰۰۱ الف، ص. ۱۳۶)؛ بنابراین، متن را باید با ارجاع به بافت موقعیتی ناظر بر آن تحلیل کرد و این خود مستلزم آن است که بتوان بافت موقعیتی را به مؤلفه های قابل تحلیل تجزیه کرد. برای انجام این کار، الگوی تحلیل انتقادی ترجمه نیز به مانند الگوی هاوئس (۱۹۹۷) از روش «تحلیل سیاق»<sup>۲</sup> بهره می گیرد. هیلیدی مفهوم سیاق را به شرح ذیل به مؤلفه های سازنده آن تجزیه می کند: «دامنه سخن» (موضوع گفتمان)، «منش (یا عاملان) سخن» (مشارکین گفتمان و روابط بین آن ها) و «شیوه سخن» (مجرای ارتباط) (هیلیدی، مکیتاش و استریونس، ۱۹۶۴ به نقل از هیلیدی، ۱۹۷۸، صص. ۶۲ و ۱۲۵). وی متعاقباً در صورت بندی دیگری موضوع گفتمان را به عنوان «نوع عمل اجتماعی»، منش گفتمان را مشتمل بر «روابط نقشی مشارکین رویداد ارتباطی» و شیوه گفتمان را به عنوان «سازماندهی نمادین» گفتمان قلمداد می کند (هیلیدی، ۱۹۷۸، صص. ۳۵ و ۶۲). این سه مفهوم به ترتیب به معانی و فرانش های سه گانه اندیشگانی، بین فردی و متنی زبان ارتباط می یابند (هیلیدی، ۱۹۷۸، ص. ۱۲۵). در رویکرد هاوئس، «دامنه گفتمان» اشاره به سوژه سخن و نوع عمل اجتماعی دارد و ویژگی های خاص عناصر واژگانی را تحت پوشش قرار می دهد؛ «منش گفتمان» دربرگیرنده «منشأ و پایگاه زبانی، جغرافیایی و اجتماعی گوینده و نیز مواضع فکری و عاطفی» (یعنی دیدگاه شخصی) او است و به علاوه، بازتاب نگرش اجتماعی و کاربرد سبک های زبانی متفاوت (رسمی، غیررسمی و ...) است و در نهایت، «شیوه گفتمان»، توأمان به «مجرای» ارتباط (گفتاری یا نوشتاری) و نیز به میزان مشارکت بالقوه یا بالفعل مجاز بین گوینده و مخاطب (مونولوگ، دیالوگ و ...) مربوط می شود (هاوئس، ۱۹۹۷، ص. ۱۰۸؛ هاوئس، ۲۰۰۹، ص. ۳۵).

۱ برخلاف دیدگاه هاوئس که از «کاربرد متن در بافت موقعیتی» سخن می گوید (۲۰۰۱a، ص. ۱۳۶).



سیاق سخن، آن گونه که در الگوی «تحلیل انتقادی ترجمه» مورد نظر است، علاوه بر اقتباس موارد بالا، ملاحظات دیگری را نیز شایان توجه می‌داند. در این الگو، منش گفتمان صرفاً عوامل مربوط به «کاربرد» زبان را دربر نمی‌گیرد؛ بلکه متغیرهای مربوط به «کاربر» زبان همچون «گونه زبانی فردی<sup>۱</sup>» و «گوشه (جغرافیایی، شغلی و اجتماعی) را نیز پوشش می‌دهد. منش گفتمان علاوه بر آنکه طبق نظریه کلاسیک سیاق در نظام‌های «وجه»<sup>۲</sup> (خبری، پرسشی، امری) و «وجهیت»<sup>۳</sup> (افعال و قیده‌های وجه‌نما<sup>۴</sup> همچون «باید»، «احتمالاً»، «قطعاً» و ...) تجلی پیدا می‌کند، در الگوی حاضر مشتمل بر هر نوع «عنصر واژگانی ارزش-گذارانه» از قبیل صفات و قیده‌هایی همچون «زیبا» و «نامیدانه» نیز می‌باشد؛ همچنین «صورت‌های خطابی»<sup>۵</sup> (با اقتباس از مارکو، ۲۰۰۰، صص. ۱۹-۱) و «عناوین»<sup>۶</sup> و «القاب» اشخاص نیز می‌توانند مبین منش گفتمان باشند.

در رابطه با شیوه گفتمان نیز علاوه بر متغیرهای مورد نظر هیلیدی و هاوس، موارد دیگری مدنظر قرار گرفته‌اند. هتیم و میسون «میزان فاصله فیزیکی بین فرستنده و گیرنده پیام» را نیز در شیوه گفتمان مؤثر می‌دانند و لحاظ می‌کنند؛ میزان این فاصله است که تعیین می‌کند آیا شیوه گفتمان مناسب یک کتاب است یا مناسب گفت‌وگوی نزدیک دو شخص همکار و هم‌قطار (هتیم و میسون، ۱۹۹۷، صص. ۲۳-۲۲). شیوه گفتمان نوعاً در «نظام مبتدا-خبری»، «ساخت اطلاعاتی» و «عناصر انسجامی» (مشتمل بر کاربرد ضمائر، تکرار، حذف، هم‌آیی، ادات ربط و ...) تجلی می‌یابد (مانندی، ۲۰۰۸، ص. ۹۱). همچنین، کاربرد «ساختارهای موازی»<sup>۷</sup> می‌تواند مبین شیوه گفتمان باشد (هاوس، ۱۹۹۷، صص. ۴۵-۴۴). در الگوی تحلیل انتقادی ترجمه، «عناصر پیرامون متن» (همچون تصاویر، عکس‌ها، طرح‌های گرافیکی، نوع و رنگ و اندازه قلم، صفحه‌آرایی، علائم سجاوندی و نظایر آنها) را نیز به شیوه گفتمان منتسب می‌کنیم و در تحقق معنای

1 idiolect

2 mood

3 modality

4 modal verbs or adverbs

5 forms of address

6 titles

7 parallalesim of structures

متنی دخیل می‌دانیم. شکل (۱) رابطه بین نظام واژی- دستوری، نظام گفتمانی- معنایی و بافت موقعیتی و نسبت آن‌ها را با نوع محصول زبانی و ایدئولوژی به‌نمایش می‌گذارد.

ذکر کردیم که در «تحلیل انتقادی ترجمه»، تحلیلگر سلباً یا ایجاباً با مسئله تعادل ترجمه‌ای برخورد می‌کند. این سخن بدان معنی است که تحلیلگر/ منتقد بدواً به‌دنبال پاسخ این پرسش خواهد بود که آیا رابطه تعادلی برقرار شده است یا خیر. پاسخ مثبت متعاقباً «چگونگی» برقراری رابطه تعادلی را به پرسش خواهد کشید و پاسخ منفی، «چرایی» تحقق نیافتن تعادل را مطرح خواهد ساخت؛ به‌این ترتیب، نقد و تحلیل ترجمه مستلزم غور و تفحص در «چیستی»، «چگونگی» و «چرایی»<sup>۱</sup> ترجمه است و این میسر نخواهد بود مگر با افزودن معیار در زمانی «بینامتنیت» (عامل زمان) به معیار هم‌زمانی «تعادل». نقد ترجمه، بدین معنا، مستلزم تحلیل‌های مقابله‌ای است؛ اما «تحلیل انتقادی ترجمه» مقابله را به مقایسه صرف دو محصول متنی تقلیل نمی‌دهد؛ بلکه آن را مشتمل بر مقابله دو نظام زبانی و به طریق اولی، دو نظام فرهنگی تلقی می‌کند.

بنا به آنچه گفته شد، «تحلیل انتقادی ترجمه» برخلاف الگوی ارزیابی کیفیت ترجمه هاوس (۱۹۹۷، ۲۰۰۹) هدف خود را در وهله نخست نقد ترجمه (مشتمل بر انجام تحلیل‌های اجتماعی) می‌داند و ارزیابی کیفیت ترجمه (مشتمل بر انجام تحلیل‌های زبانی) را صرفاً پیش‌نیاز دستیابی به این هدف به‌شمار می‌آورد و در عین حال، هیچ‌یک از این دو را از نظر زمانی بر دیگری مقدم نمی‌داند. براساس این الگو، تحلیل عوامل درون‌زا عمدتاً مستلزم بررسی میزان دستیابی به تعادل ترجمه‌ای است؛ اما تحلیل عوامل برون‌زا (از جمله مؤلفه‌های ایدئولوژیکی) نیازمند انجام تحلیل‌های بینامتنی خواهد بود؛ زیرا، ایدئولوژی پدیده‌های خلق‌الساعه نیست؛ بلکه شکل‌گیری آن به‌مرور زمان صورت می‌گیرد؛ از این رو، «تحلیل انتقادی ترجمه» در مقام نظر و به‌صورت توأمان خود را «محصول مدار/ فرایند مدار» می‌خواند؛ بی‌آنکه یکی را بر دیگری ترجیح دهد و در مقام عمل نیز نقطه عزیمت تحلیل را محصول (متن) ترجمه تلقی می‌کند؛ اما در جای‌جای تحلیل متنی (در هر دو سطح خرد و کلان) از فرایندهای دخیل در تولید، دریافت، تأویل و تأثیر متون ترجمه‌شده اعم از فرایندهای روان‌شناختی، جامعه‌شناختی، مردم‌شناختی، فرهنگی و ... غافل نمی‌ماند. «تحلیل انتقادی ترجمه» علاوه بر نقد برداشت هاوس از مفهوم «نقش منحصربه‌فرد متن»، بر این باور نظری پای می‌فشارد که اساساً نمی‌توان در همه انواع و همه نمونه‌های متون، نقش منحصربه‌فرد و یگانه‌ای

را شناسایی نمود و به تبع آن، انتظار تنها یک نوع ترجمه را داشت؛ از این رو، الگوی یادشده به جای مقابله «نماهای نقشی»<sup>۱</sup> متون مبدأ و مقصد از مقابله نماهای نقشی «رویدادهای ارتباطی»<sup>۲</sup> (خرده‌متن‌های) موازی در متون مبدأ و مقصد استفاده می‌کند؛ بنابراین، «نقش متنی منحصر به فرد» مورد نظر هاوس، در الگوی تحلیل انتقادی ترجمه جای خود را به «نقش(های) رویداد ارتباطی» داده است. این جایگزینی قضاوت درباره نقش را از سطح کلان متن به سطح خرد و قابل تحلیل «رویداد ارتباطی» انتقال می‌دهد و نشان می‌دهد که در هر بافت موقعیتی (یا در هر رویداد ارتباطی) معین الزاماً تنها یک نقش کارکردی موضوعیت ندارد و چه بسا در یک رویداد واحد بتوان شاهد بیش از یک نقش (مثلاً دو یا چند کنش گفتاری)<sup>۳</sup> بود.

با تعدیل واحد تحلیل ترجمه از متن به رویدادهای ارتباطی سازنده متن، می‌توان انتظار داشت که در بخش‌های مختلف متن مقصد با مصداق‌های ترجمه آشکار یا پنهان مواجه شویم. در این الگو، ترجمه آشکار یادآور همان استعاره آشنا است که فلان متن اصطلاحاً بوی ترجمه می‌دهد؛ یعنی معیارهای سه‌گانه «مقبولیت»، «طبیعی بودن» و «خوانش پذیری»<sup>۴</sup> در آن محقق نگردیده است. در عوض، ترجمه پنهان ترجمه-ای است که معیارهای یادشده را برآورده سازد. هرگاه مترجم نیاز به کاربرد صافی فرهنگی را احساس نماید، می‌توان انتظار داشت که نتیجه کار او به‌طور نسبی به سمت ترجمه پنهان میل خواهد کرد؛ اما اگر چنین نیازی را احساس نکند و عناصر فرهنگی مبدأ را به نظام مقصد منتقل کند، نتیجه کار را نمی‌توان الزاماً ترجمه آشکار به معنای مورد نظر هاوس قلمداد کرد. به سخن دیگر، تحلیل انتقادی ترجمه دستیابی به تعادل نقشی را الزاماً منوط به کاربرد صافی فرهنگی نمی‌داند. در این الگو، تعادل نقشی می‌تواند برحسب مورد با کاربرد یا بدون کاربرد صافی فرهنگی محقق گردد.

در الگوی تحلیل انتقادی ترجمه، معنای متنی زبان عمدتاً و به خصوص زمانی که زبان با اهداف زیبایی‌شناختی برای ارجاع به خود به کار می‌رود (مثلاً در شعر) یا زمانی که برای تأکید و برجسته‌سازی عنصری از عناصر زبانی، از راهبردهایی همچون مبتداسازی<sup>۵</sup> استفاده می‌شود، حائز اهمیت است و حتی

- 
- 1 functional profiles
  - 2 communicative events/episodes
  - 3 speech act
  - 4 acceptability/naturalness/readability
  - 5 thematisation

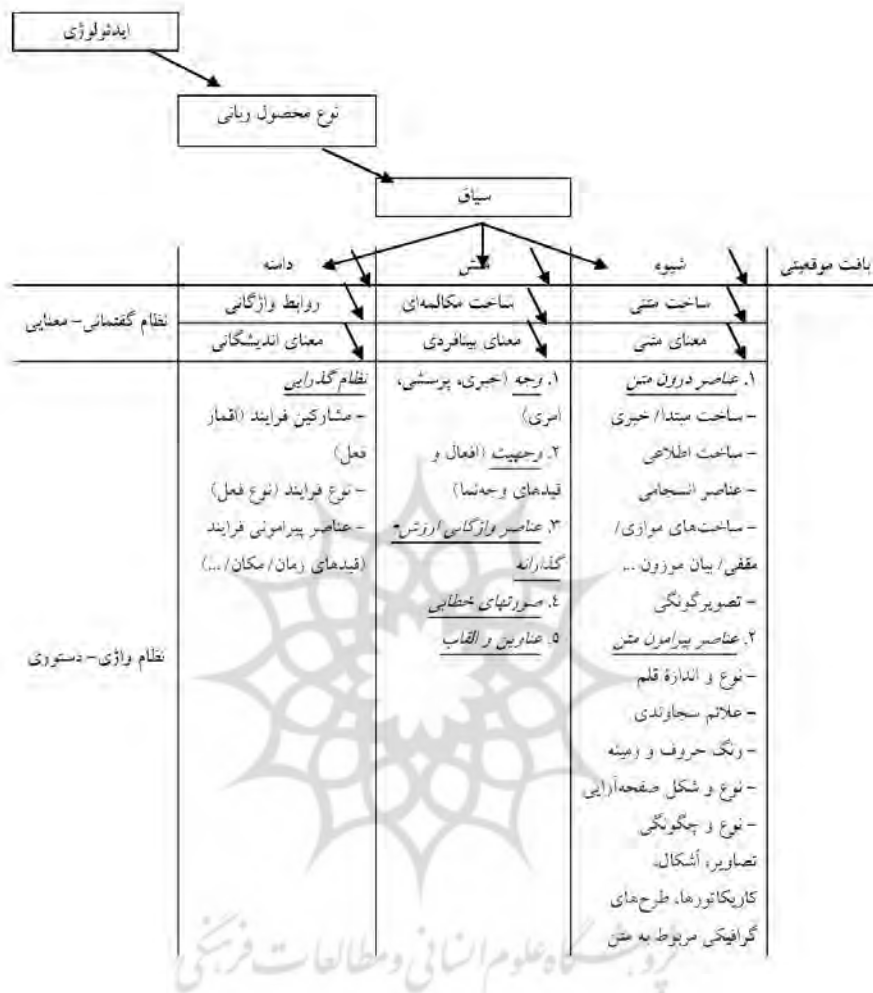
ممکن است بیش از سایر بخش‌های معنایی زبان ایفای نقش نماید.

مؤلفه دیگری که در الگوی تحلیل انتقادی ترجمه با مؤلفه متناظر خود در الگوی ارزیابی کیفیت ترجمه هاوس تفاوت دارد، مؤلفه «نوع متن»<sup>۱</sup> است. در الگوی هاوس، نوع متن صرفاً مشتمل بر «گونه» (ژانر) است (به‌عنوان مثال، رجوع کنید به هاوس، ۲۰۰۹، ص. ۳۵)؛ از قبیل گونه یا ژانر یک دستورالعمل آشپزی یا یک نامه اداری؛ اما در الگوی تحلیل انتقادی ترجمه، با الهام از مفهوم بینامتنیت و با تأسی به هتیم و میسون (۱۹۹۷، ص. ۱۸)، نوع محصول زبانی منحصر به مقوله گونه نیست؛ بلکه مشتمل بر سه مفهوم «نوع متن» (نوع هدف بلاغی متن شامل جدلی، روایی، تشریحی و نظایر آنها)، «نوع گفتمان» (گفتمان فمینیستی، دینی، فلسفی و امثال آن) و «نوع گونه» (یا ژانر) خواهد بود. هر سه زیرمجموعه «نوع محصول زبانی» در الگوی اخیر به بینامتنیت عمودی (بُعد اجتماعی - متنی ارتباط بینامتنی) مربوط می‌شوند که به تعبیر فرکلاف، ناظر بر «شیوه بیان»<sup>۲</sup> است (فرکلاف، ۱۹۸۹ الف؛ همچنین رجوع کنید به هتیم و ماندی، ۲۰۰۴، صص. ۸۶-۸۷). در عین حال، نوع دیگری از بینامتنیت نیز با عنوان «بینامتنیت افقی» (یعنی بُعد اجتماعی - تاریخی ارتباط بینامتنی) در الگوی تحلیل انتقادی ترجمه لحاظ گردیده است که در دیدگاه فرکلاف مشتمل بر ارجاع به متون دیگر یا نقل قول از آنها است. نوع اخیر بینامتنیت که «تولید و تأویل معنا وابسته به آن است و بر سیاق سخن (یعنی ارتباط متن با بافت موقعیتی) تأثیر می‌گذارد» (هتیم و میسون، ۱۹۹۷، ص. ۱۷)، بر نحوه عملکرد دو صافی فرهنگی و ایدئولوژیکی مؤثر واقع می‌شود.

مسئله مهم دیگری که در الگوی تحلیل انتقادی ترجمه مدنظر قرار گرفته، ملاحظه سه صافی مختلف در فرایند ترجمه است. نخستین آنها «صافی زبانی» است که ناظر بر جایگزینی واژه‌ها و عناصر دستوری زبان مبدأ با واژه‌ها و عناصر دستوری زبان مقصد است و در همه الگوهای تحلیل و نقد ترجمه به‌طور ضمنی مفروض است.

1 text type/type of text

2 mode of expression



شکل ۱. نظام واژی- دستوری، نظام گفتمانی- معنایی و بافت موقعیتی

برگرفته از اگینز ۱۹۹۴، ص. ۱۱۳؛ زی‌خون، ۲۰۰۳؛ تعدیلات و اضافات از نگارنده

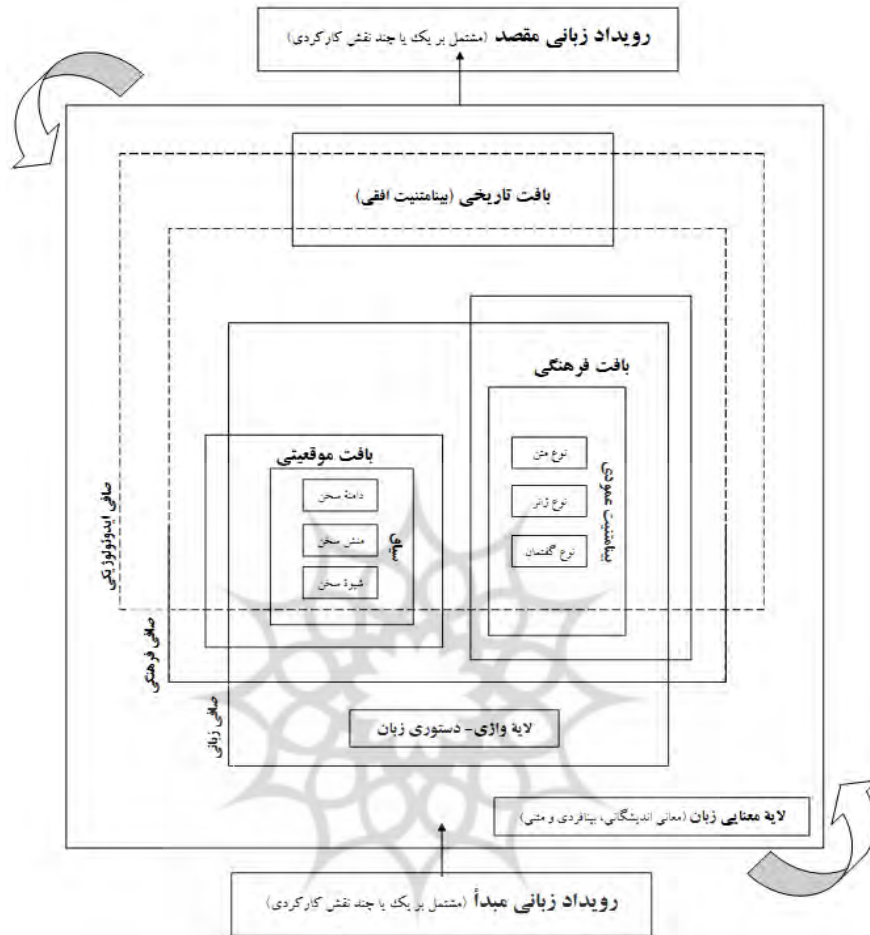
متفقد یا تحلیلگر ترجمه برای تحلیل نحوه عملکرد صافی زبانی می‌تواند به اقتضای تخصص و سلیقه علمی خود از رویکردهای تحلیلی مختلفی استفاده نماید. سازوکار تحلیل عملکرد صافی زبانی در الگوی تحلیل انتقادی ترجمه مشتمل بر فهرست بازی از رهیافت‌های تحلیلی مختلف است. در عین حال، نگارنده

از واژگان تخصصی و روش‌شناسی معمول در زبان‌شناسی سازگانی - نقش‌گرایی هلیدی (۱۹۸۵، ۱۹۹۴، ۲۰۰۴) بهره برده است (رجوع کنید به خان‌جان، ۱۳۹۱).

یکی از موارد افتراق الگوی تحلیل انتقادی ترجمه با الگوی خانم هاووس نحوه عملکرد صافی فرهنگی است که در سطور بالا به آن اشاره شد. علاوه بر صافی‌های زبانی و فرهنگی، در «تحلیل انتقادی ترجمه» صافی دیگری نیز پیش‌بینی شده است که در الگوی ارزیابی کیفیت ترجمه‌نشانی از آن نمی‌بینیم. این صافی را «صافی ایدئولوژیکی»<sup>۱</sup> نام نهاده‌ایم و بر این اعتقاد هستیم که ممکن است به دو شیوه آگاهانه و ناخودآگاه به‌کار گرفته شود. سازوکاری که در الگوی تحلیل انتقادی ترجمه عملکرد صافی ایدئولوژیکی را رقم می‌زند، الگوی «مربع ایدئولوژیکی»<sup>۲</sup> ون‌دایک (۱۹۹۸ الف) می‌باشد که ناظر بر قطبی‌سازی ویژگی‌های «ما» در مقابل «آن‌ها» است. در هر مرحله از فرایند ترجمه، مترجم یا سایر عوامل دخیل در تولید متن مقصد با توجه به همسویی داشتن یا نداشتن با محتوای ایدئولوژیکی متن مبدأ در مورد عبور دادن یا ندادن آن از صافی ایدئولوژیکی، تصمیم‌گیری خواهند نمود. پیامد عبور (یا عبور نکردن هدفمند) متن ترجمه از صافی ایدئولوژیکی شکل‌گیری مربع ایدئولوژیکی است که ۱. تأکید بر اعمال و ویژگی‌های مثبت «ما»؛ ۲. تأکید بر اعمال و ویژگی‌های منفی «آن‌ها»؛ ۳. رفع تأکید از اعمال و ویژگی‌های منفی «ما» و ۴. «رفع تأکید از اعمال و ویژگی‌های مثبت «آن‌ها» را در پی خواهد داشت. در عین حال، صافی ایدئولوژیکی می‌تواند بالقوه فهرست بازی از سازوکارهای تحلیلی گوناگون را دربرگیرد؛ همان‌طور که نگارنده (خان‌جان، ۱۳۹۱) علاوه بر الگوی مربع ایدئولوژیکی به تناوب از الگوی «بازنمایی کارگزاران اجتماعی» ون‌لیوون (۲۰۰۸) برای تبیین کنش‌های ایدئولوژیکی تولیدکنندگان متون مقصد استفاده نموده است. به‌طور کلی، اهمیت این صافی‌های سه‌گانه و عملکرد آن‌ها در «تحلیل انتقادی ترجمه» در حدی است که الگوی یادشده، چنانکه ملاحظه گردید، بر مبنای مفهوم «صافی» تعریف جدیدی از ترجمه ارائه نموده است. با توجه به آنچه گفته شد، نمای کلی الگوی تحلیل انتقادی ترجمه پیشنهادی این مقاله به‌صورت طر حواره ذیل (شکل ۲) نمایش داده شده است:

1 ideological filter

2 Ideological Square Model



شکل ۲. طرحواره پیشنهادی الگوی تحلیل انتقادی ترجمه

#### ۴. روش‌شناسی تحقیق

در پژوهش حاضر تلاش بر آن بوده است تا در کنار «چیستی» صورت‌بندی‌های ایدئولوژیکی به‌کاررفته در متون ترجمه‌شده، تأکید مضاعفی نیز بر «چگونگی» و «چرایی» کاربرد این صورت‌بندی‌ها اعمال شود؛ بنابراین، سعی بر آن بوده است تا جایی که امکان دارد، از روش‌های کمی (آمار توصیفی و استنباطی) نیز استفاده گردد. واحد تحلیل و ارزیابی ترجمه را براساس الگوی تحلیل

انتقادی ترجمه، از سطح کلان متن به سطح خرد «رویداد ارتباطی» تقلیل داده‌ایم تا زمینه اظهار نظر درباره «نقش کارکردی» ترجمه در مقام عمل فراهم گردد. برای تقطیع گزارش‌های خبری مبدأ و مقصد به رویدادهای تشکیل‌دهنده آنها براساس شیوه پیشنهادی ون‌دایک (۱۹۸۲، صص. ۱۹۵-۱۷۷) از روش «تحلیل رویداد»<sup>۱</sup> استفاده کرده‌ایم. مفهوم «رویداد» کم‌وبیش معادل مفهوم سستی «پاراگراف» است؛ رشته‌های منسجمی از جملات گفتمان که ویژگی‌های زبانی، آنها یا پایان آنها را مشخص می‌کند و برحسب نوعی «وحدت درونمایه‌ای»- برای مثال، برحسب مشارکین، زمان و مکان همانند و یا وقایع و کنش‌های مرتبط- تعریف می‌شوند (ون‌دایک، ۱۹۸۲، ص. ۱۷۷).

داده‌های مورد بررسی از حیث نوع، مشتمل بر متون خبری سیاسی هستند که از ظرفیت بالقوه بروز تقابل ایدئولوژیکی برخوردار می‌باشند. داده‌های یادشده موضوعاتی از قبیل «تصویر جهانی ایالات متحده آمریکا»، روابط ایران- آمریکا»، «تحریم ایران»، «برنامه هسته‌ای ایران»، «مسئله فلسطین»، «مناسبات ایران و روسیه»، «مسئله هولوکاست»، و «پیامدهای بهار عربی» را دربرمی‌گیرند. با عنایت به موضوع تحقیق، انتخاب داده‌ها به صورت خودگزینی صورت گرفته است. این خودگزینی در وهله نخست متأثر از ماهیت ذاتی پژوهش‌های گذشته‌نگر [از قبیل نقد ترجمه یا ارزیابی ترجمه] است که متغیرهای از پیش اتفاق افتاده و موجود را بررسی می‌کنند (دلاور، ۱۳۷۸، ص. ۳۹۳). با توجه به اینکه متغیر «نبود همسویی ایدئولوژیکی» به عنوان یک متغیر مستقل در طرح فرضیات تحقیق (به طور ایجابی و به شکل نسبی) مفروض بوده است، طبیعتاً تحلیل داده‌هایی که در بردارنده تعارض یا نبود همسویی ایدئولوژیکی نباشند، در پژوهش حاضر موضوعیت نمی‌یابد و در چنین شرایطی، انتخاب تصادفی داده‌ها نیز مناسب نخواهد داشت؛ از این رو، بهره‌گیری از شیوه‌های معمول نمونه‌گیری و محاسبه حجم نمونه در تحقیق حاضر مدنظر نبوده است. برای استخراج داده‌های آماری و اعداد و ارقام مورد نیاز برای انجام تحلیل‌های کمی، از فرم‌های محقق‌ساخته‌ای با عنوان «فرم تلخیص داده‌ها» استفاده شد که ماهیتاً از نوع فرم‌های تحلیل محتوای متعارف است؛ اما متغیرهای مورد نظر در آن جملگی بر پایه الگوی «تحلیل انتقادی ترجمه» پیش‌بینی گردید.



بعد از انجام توصیف و تحلیل انتقادی، ابتدا با توسل به شیوه‌های مرسوم در آمار توصیفی، تصویری از اطلاعات به دست آمده از اعمال الگوی تحلیل انتقادی ترجمه بر داده‌های تحقیق ارائه گردید که شامل طبقه‌بندی، تحلیل بسامد و رسم جداول و نمودارهای مربوطه است و متعاقب آن، با کمک شیوه‌های معمول در آمار استنباطی آزمون فرضیه‌های تحقیق به انجام رسیده است. برای آزمون طبیعی بودن همه متغیرهای تحقیق، از آزمون «کولموگروف-اسمیرنف»<sup>۱</sup> استفاده کرده‌ایم؛ بررسی همگنی واریانس متغیرها را با آزمون «لون»<sup>۲</sup> انجام داده‌ایم؛ آزمون سه فرضیه اصلی شماره (۱)، (۲) و (۴) را با محاسبه «ضریب همبستگی پیرسون»<sup>۳</sup> و آزمون فرضیه اصلی شماره (۳) تحقیق را با استفاده از آزمون «مقایسه میانگین‌های چند جامعه»<sup>۴</sup>، آزمون «ولچ»<sup>۵</sup> و «آزمون تعقیبی تام هنس»<sup>۶</sup> انجام داده‌ایم.

#### ۵. یافته‌های تحقیق

##### ۵.۱. تحلیل کیفی نمونه‌ای از داده‌ها

نمونه مورد نظر مشتمل بر متن انگلیسی خبری است که در تاریخ دوم اکتبر ۲۰۱۰ در پایگاه خبری «ولتر نت»<sup>۷</sup> منتشر شده است و طی آن، نویسنده رئیس سخنانی بیل کلینتون، رئیس جمهور سابق ایالات متحده آمریکا را در جریان هفتمین نشست سالانه «راهبرد اروپایی یالتا»<sup>۸</sup> گزارش نموده است و خبرگزاری فارس چند روز بعد (۱۶ مهر ۱۳۸۹) آن را ترجمه و منعکس کرده است.<sup>۹</sup> تقطیع گزارش خبری یادشده به رویدادهای سازنده آن به شرح جدول (۱) به نمایش درآمده است:

1 Kolmogrov-Smirnov (K-S) Test

2 Leven Test

3 Pearson's Correlation Coefficient

4 ANOVA Test

5 Welch Test

6 Tamhane's T2 Posthoc Multiple Comparison

7 <http://www.voltairenet.org/Bill-Clinton-U-S-should-be>

8 Yalta European Strategy (YES)

9 <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8907130469>

## جدول ۱. ساختار رویدادی گزارش خبری انگلیسی

موضوع رویداد	نقاط گسست رویداد	شماره رویداد
عنوان <sup>۱</sup> خبر	Bill Clinton...dominance	۱
آغاز <sup>۲</sup> خبر	Former...India	۲
پیش‌بینی نتیجه پیشی گرفتن سایر کشورها از اقتصاد آمریکا	When...(Ukraine)	۳
امیدواری کلیتون به استمرار تأثیرگذاری آمریکا در آینده	Once...nations	۴
ضرورت واگذاری برخی امتیازات	He...forward	۵
آنچه نظام آمریکا باید دیر یا زود در پیش بگیرد	Sooner...evolve	۶
توصیه کلیتون به کاهش خواسته‌های آمریکاییان	We...said	۷

در مقابل ۷ رویداد مبدأ بالا، گزارش خبری مقصد نیز از ۷ رویداد تشکیل شده است (جدول ۲):

## جدول ۲. ساختار رویدادی گزارش خبری فارسی

موضوع رویداد	نقاط گسست رویداد	شماره رویداد
عنوان خبر	بیل کلیتون ... باشد	۱
آغاز <sup>۲</sup> خبر	خبرگزاری فارس ... باشد	۲
تکرار آغاز <sup>۲</sup> در متن خبر	به گزارش ... باشد	۳
پیش‌بینی نتیجه پیشی گرفتن سایر کشورها از اقتصاد آمریکا	براساس ... نخواهند بود	۴
امیدواری کلیتون به استمرار تأثیرگذاری آمریکا در آینده	وی ... بگذارد	۵
ضرورت واگذاری برخی امتیازات	رئیس جمهوری ... از دست بدهد	۶
توصیه کلیتون به کاهش خواسته‌های آمریکاییان	کلیتون ... پیش می‌رود	۷

تحلیل خود را از عنوان خبر آغاز می‌کنیم. همان‌گونه که مشاهده می‌کنید، ترجمه فارسی با پای‌بندی به صورت و محتوای عنوان خبر مبدأ صورت گرفته است:

Bill Clinton: U.S should be prepared to lose global dominance.

بیل کلیتون: آمریکا باید آماده از دست دادن سلطه جهانی خود باشد.

1 headline

2 lead

با توجه به تعارض ایدئولوژیکی منبع خبر مقصد (خبرگزاری رسمی و دولتی فارس) با ایدئولوژی نظام حاکم بر ایالات متحده در سطح کلان، راهبرد ترجمه‌ای پای‌بندی به عنوان خبری مبدأ را می‌توان مصداق «تأکید بر ابعاد منفی آن‌ها» دانست (به‌ویژه از این جهت که به‌نظر می‌رسد واژه فارسی «سلطه» معنایی منفی‌تری را در مقایسه با "dominance" انگلیسی منتقل می‌کند). به‌سخن دیگر، مترجم/ تولیدکنندگان خبر مقصد بر تولید این عنوان نظارت داشته‌اند؛ اما به‌دلیل همسویی با محتوای ایدئولوژیکی عنوان مبدأ، تعدیل یا تغییری در آن به‌وجود نیآورده‌اند. شایان ذکر است که در الگوی تحلیل انتقادی ترجمه، عبور از صافی ایدئولوژیکی الزاماً همواره به‌معنای جرح و تعدیل یا تغییر نیست؛ بلکه گاهی اوقات نتیجه عبور متن از صافی ذکرشده، اتخاذ راهبرد «تثبیت» است.

نمونه‌های بعدی آغاز خبر مبدأ و ترجمه آن را دربرمی‌گیرند:

Former U.S. President Bill Clinton believes that Washington must brace for loss of global domination in the face of rapidly developing economies like China and India.

رئیس جمهوری سابق آمریکا با اذعان به قدرت روزافزون کشورهای همچون چین و هند تأکید کرد که ایالات متحده باید آماده از دست دادن سلطه جهانی خود باشد.

آغاز خبر مقصد در کلیت خود به آغاز گزارش مبدأ وفادار بوده است؛ اما جایگزینی عبارت «اقتصادهایی همچون چین و هند» با «کشورهایی همچون چین و هند» شائبه رفتار ایدئولوژیکی با محتوای عنوان و آغاز خبر را به‌وجود می‌آورد. در حالی که کلیتون از دست‌رفتن «سلطه اقتصادی» آمریکا را در آینده پیش‌بینی می‌کند، آغاز خبر مقصد بر از دست‌رفتن «سلطه سیاسی» این کشور تأکید دارد (تأکید بر ویژگی‌های منفی «آن‌ها»). به‌سخن دیگر، تغییر تنها یک عنصر واژگانی در لایه واژی-دستوری (راهبرد «تغییر عبارت»<sup>۱</sup>) با تأثیر بر عنصر پیرامونی فرایند (سبب) در ساخت گذرابی بند، سوژه رویداد را در مؤلفه دامنه گفتمان (در لایه سیاق سخن) تغییر داده است و این درنهایت، معنای اندیشگانی را که در ایجاد نقش تأثیر می‌گذارد، تحت‌الشعاع قرار داده است. نکته ظریف دیگری که شایان توجه به‌نظر می‌رسد، تعدیل ساخت گذرابی جمله با تغییر فرایند ذهنی «اعتقاد داشتن/ براین-

باوربودن» (to believe) به فرایند کلامی «اذعان کردن» است. این تغییر نوع فرایند به‌ویژه از آن جهت قابل توجه به نظر می‌رسد که مُشارک اول (یا در اصطلاح زبان‌شناسی سازگانی - نقش‌گرا، «مُدِرک»<sup>۱</sup>) فرایند نیز در معرض فرایند طبقه‌بندی (نقش‌دهی) قرار گرفته و از «بیل کلیتون، رئیس‌جمهور سابق ایالات متحده» به «رئیس جمهوری سابق آمریکا» تغییر کرده است. این دو تغییر موضوع گفتمان را از حالت شخصی خارج می‌سازند و به یک جایگاه حقوقی نسبت می‌دهند. در ترجمه فارسی دیگر مسئله عقیده شخصی یک فرد به‌خصوص مطرح نیست؛ بلکه «اذعان» یا «اعتراف» مجموعه نظام سیاسی ایالات متحده به ازدست‌دادن روزافزون سلطه جهانی آن کشور مطرح شده است (تأکید بر ابعاد منفی «آنها»). بدیهی است که «اذعان کردن» کنش گفتاری دیگری است و تأثیر (نقش) آن با «عقیده‌داشتن» متفاوت خواهد بود. تغییر فرایند یا فعل جمله از «عقیده‌داشتن» به «اذعان کردن» را می‌توان مصداق راهبردی تلقی کرد که در واژگان تخصصی ون‌دایک (۱۹۹۸ ب) با عنوان «فرانظر»<sup>۲</sup> از آن یاد شده است. فرانظرها مشتمل بر اظهارنظرهای نوعاً ارزشی درباره سایر نظرها هستند و معمولاً با هدف تردید یا تشکیک در اعتبار آن نظرها (ون‌دایک، ۱۹۹۸ ب، ص. ۵۹) [و یا برعکس، به‌مانند نمونه حاضر برای تأکید بیشتر بر اعتبار آن نظرها] بیان می‌شوند. جالب آنکه ترجمه لفظ‌گرای آغازۀ مبدأ به‌عنوان رویداد نخست متن اصلی خبر مقصد قید گردیده است:

به گزارش فارس، به نقل از پایگاه خبری «ولترنت»، «بیل کلیتون» رئیس‌جمهوری سابق آمریکا معتقد است که با توجه به توسعه سریع کشورهای مثل چین و هند، واشنگتن باید آماده‌ی ازدست‌دادن سلطه جهانی خود باشد.

در حقیقت، رویداد بالا ترجمه‌ای است که صرفاً با عبور رویداد مبدأ از صافی زبانی نظام مقصد حاصل شده است و سپس، درون‌داد صافی ایدئولوژیکی عنصر مترجم / تولیدکنندگان خبر مقصد واقع گردیده و به جایگاه آغازۀ خبر مقصد ارتقاء یافته است.

"When another nation's economy overtakes ours, it will rely exclusively on itself to acquire greater military power, and no longer on the U.S.", stated Clinton last night at the seventh annual meeting of the Yalta European Strategy (YES) held in the Crimean peninsula (Ukraine).

1 sensor

2 meta opinion

براساس این گزارش، کلیتون شنبه در جریان هفتمین دیدار سالانه «استراتژی اروپایی یالتا» در شبه جزیره «کرامین» اوکراین گفت: وقتی اقتصاد دیگر کشورها از اقتصاد ما پیشی گیرد، آن‌گاه این کشورها برای افزایش قدرت نظامی خود به‌طور انحصاری بر خودشان تکیه می‌کنند و دیگر به ایالات متحده وابسته نخواهند بود.

در رویداد بالا، عمدتاً عملکرد صافی زبانی مشهود است و صافی ایدئولوژیکی نمود زبانی نداشته است. در یک تحلیل بینامتنی (بینامتنیت عمودی)، مترجم صافی زبانی را فعال ساخته است و ساخت گذرایی تنها جمله تشکیل دهنده رویداد را با تغییر ترتیب «گفته + گوینده» به «گوینده + گفته» که با ساختار بلاغی گونه (ژانر) روایت در زبان فارسی همخوانی دارد، تعدیل نموده است. تغییر ذکر شده سازمان متنی رویداد را تغییر داده است؛ اما از آنجایی که این تغییر به نشان‌دار شدن جمله (و تأثیر بر معنا / فرانش متنی) نینجامیده است، به تغییر نقش کلی رویداد منتهی نگردیده است؛ بنابراین، می‌توان رویداد مقصد را ترجمه رویداد مبدأ و دارای رابطه تعادلی با آن دانست. تنها یک نمونه ناهمخوانی در به‌کارگیری صافی زبانی مشاهده می‌شود که به ضبط اعلام جغرافیایی مربوط است و تأثیری بر کارکرد رویداد برجای نگذاشته است («شبه جزیره کرامین» به‌جای صورت مصطلح «شبه جزیره کریمه»).

"Once we lose control, I would still like the U.S. to remain influential in a positive sense," said the former president, adding that his intention is to build "bridges of friendship" between the U.S. and other nations.

وی افزود: وقتی ما کنترل جهان را از دست دادیم، من همچنان علاقه‌مند خواهم ماند تا آمریکا بتواند تأثیرات مثبتی را بر دنیا بگذارد.

رئیس جمهوری سابق ایالات متحده با بیان اینکه امیدواری وی برای تداوم تأثیرگذاری آمریکا با هدف ساخت «پل‌های دوستی» با دیگر ملل است،

در نمونه‌های بالا مشاهده می‌شود که مترجم رویداد مبدأ را تجزیه کرده و بخشی از آن را با رویداد بعدی متن فارسی تلفیق نموده است (بنابراین، خلائی که در نمونه فارسی مشاهده می‌شود، در پاره‌گفت فارسی بعدی جبران شده است). صرف‌نظر از این مسئله، مجدداً کارکرد صافی زبانی نظام

مقصد را در تعدیل ساخت گذرایی برمبنای ویژگی‌های بینامتنی گونه روایت در زبان فارسی شاهد هستیم؛ علاوه بر اینکه هیچ نوع برخورد ایدئولوژیکی نیز مشاهده نمی‌شود.

He also recommended the U.S. should give up some of its current privileges if it is to move forward.

... تأکید کرد که اگر ایالات متحده می‌خواهد به جلو حرکت کند، باید برخی از امتیازات کنونی خود را واگذار کند و از دست بدهد.

در اینجا نیز شاهد عملکرد صافی زبانی از حیث تعدیل ترتیب بندهای پایه و پیرو در ساختار جمله شرطی هستیم که به لحاظ بینامتنی در نظام مقصد الگویی بی‌نشان به‌شمار می‌رود و به تغییر معنای متنی نینجامیده است. نکته ظریف در اینجا ناهمخوانی معادل‌گزینی واژگانی در برگردان فرآیند فعلی "recommended" به صورت «تأکید کرد» (و نه به صورت معادل «توصیه کرد / پیشنهاد داد») است. در عین حال، فرایند «تأکید کردن» نیز به‌طور ضمنی همان کنش ارتباطی «پیشنهاد دادن» را القاء می‌کند و اندکی سختگیرانه خواهد بود اگر این معادل‌گزینی را نوعی برخورد ایدئولوژیکی (و به‌منزله تغییر کنش گفتاری) تلقی کنیم.

"Sooner than later, any system reaches a point where it prefers to preserve things as they are rather than to evolve (...).

رویداد بالا در متن فارسی ترجمه نشده است. کلیتون می‌خواهد بگوید که وضعیت مورد نظر (یعنی از دست دادن حوزه نفوذ و تأثیرگذاری و قناعت به حفظ دستاوردهای موجود به‌جای حرکت به سمت تکامل) مختص نظام یا حکومت آمریکا نیست و برای همه نظام‌ها اجتناب‌ناپذیر خواهد بود؛ اما ظاهراً این استدلال خوشایند تولیدکنندگان خبر فارسی نبوده است و نظام (سیاسی) متبوع خود را مشمول این اظهار نظر نمی‌دانند و به همین دلیل، با اعمال صافی ایدئولوژیکی، آن را مشمول راهبرد حذف نموده‌اند (رفع تأکید از آنچه برای «ما» جنبه منفی دارد).

We need the courage to downsize a very comfortable lifestyle so that our children and grandchildren may live in a world that is ever changing for the better", he said.

کلیتون گفت: ما به شجاعتی نیاز داریم تا با کاهش خواسته‌های خود، سبک زندگی بسیار راحتی را برای کودکان و نواذگان خود فراهم کنیم تا در دنیایی زندگی کنند که برای همیشه رو به بهتر شدن پیش می‌رود.

در نمونه بالا، علاوه بر عملکرد اولیه صافی زبانی از حیث تعدیل ساختار گذرایی جمله و منطبق ساختن آن با ویژگی‌های گونه (ژانر) روایی در زبان فارسی، می‌توان به وضوح عملکرد صافی ایدئولوژیکی را نیز نشان داد. کلیتون در راستای رویداد مبدأ قبلی (که در ترجمه حذف شده است) پیشنهاد می‌دهد که جامعه آمریکا استانداردهای سبک زندگی بسیار راحتی را که هم‌اکنون از آن برخوردار است، تقلیل دهد؛ اما ترجمه با عبور رویداد مبدأ از صافی ایدئولوژیکی از طریق افزودن (درج) <sup>۱</sup> عنصر واژگانی «خواسته‌ها» در جایگاه کنش‌پذیر <sup>۲</sup> که در متن اصلی به آن تصریح نشده است و نسبت دادن آن به فرایند «کاهش دادن»، بر دامنه گفتمان (نوع عمل) و به تبع آن، بر معنای بینافردی تأثیر گذاشته و چنین القاء می‌کند که «سبک زندگی بسیار راحت» هم‌اکنون در جامعه آمریکا محقق نیست و صرفاً چشم‌اندازی است که کلیتون آن را برای نسل‌های آتی ایالات متحده آرزو می‌کند (رفع تأکید از ویژگی‌های مثبت «آن‌ها»).

## ۵.۲. تحلیل کمی اطلاعات

### ۵.۲.۱. توصیف نتایج

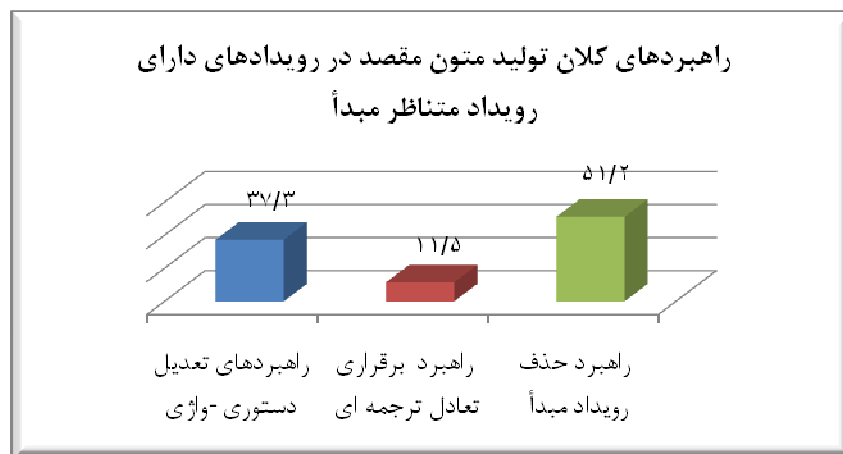
نتایج حاصل از توصیف آماری داده‌ها مبین آن است که در تولید متون خبری مقصد، به تناوب از چهار راهبرد کلان «برقراری تعادل ترجمه‌ای»، «حذف (کامل) رویداد مبدأ»، «درج رویداد (جدید)» و «تعدیل واژی - دستوری» استفاده شده است.

جدول ۳. میزان استفاده از راهبردهای کلان تولید متون خبری مقصد در رویدادهای دارای رویداد متناظر مبدأ

راهبردهای کلان تولید متون خبری مقصد	تعداد رویدادهای مقصد مشتمل بر راهبرد کلان مورد نظر	درصد
راهبردهای تعدیل واژی - دستوری	۱۴۲	۳۷/۳
راهبرد برقراری تعادل ترجمه‌ای	۴۴	۱۱/۵
راهبرد حذف (کامل) رویداد مبدأ	۱۹۵	۵۱/۲
جمع	۳۸۱	۱۰۰

1 inclusion

2 patient



شکل ۳. نمودار میزان استفاده از راهبردهای کلان تولید متون خبری مقصد در رویدادهای دارای رویداد متناظر مبدأ

جدول و نمودار بالا نشان می‌دهند که معمول‌ترین واکنش مترجم یا تولیدکنندگان متون خبری مقصد در قبال گزارش‌های خبری مبدأ، حذف رویدادهای مبدأ در گزارش خبری مقصد بوده است (در بیش از ۵۱٪ از موارد). علاوه بر اینکه در بیش از ۳۷٪ از موارد، عوامل تولیدکننده متون مقصد مبادرت به جرح و تعدیل<sup>۱</sup> رویدادهای خبری مبدأ در سطوح واژگانی و دستوری نموده‌اند و تنها در ۱۱/۵٪ از رویدادها، راهبرد تعادل ترجمه‌ای به خدمت گرفته شده است. به عبارت دیگر، تنها در ۱۱/۵٪ از موارد، هدف و نقش-های کارکردی رویدادهای خبری مبدأ در متون مقصد حفظ شده‌اند و در سایر موارد، یا رویداد مبدأ به کلی از متن مقصد حذف گردیده است یا دستخوش جرح و تعدیلاتی شده که عموماً بر نقش (یا نقش‌های) کارکردی رویدادهای خبری موردنظر تأثیر گذاشته است. علاوه بر راهبردهای سه‌گانه بالا که در رویدادهای مقصد دارای رویداد متناظر مبدأ موضوعیت دارند، راهبرد چهارمی نیز از سوی تولیدکنندگان متون مقصد به کار گرفته شده است که ناظر بر «درج رویداد (جدید)» در متن مقصد است. تعداد این رویدادها در کل نمونه تحقیق ۷۴ مورد بوده است که نشان می‌دهد به‌طور میانگین در هر گزارش خبری مقصد تقریباً سه رویداد به متن اضافه شده‌اند که اساساً نشانی از آن‌ها در متن مبدأ دیده نمی‌شود.

1 manipulation



اکنون پرسش آن است که اتخاذ راهبردهای کلان «جرح و تعدیل واژگی- دستوری»، «حذف کامل رویداد مبدأ» و «درج رویداد جدید» (راهبردهای دخالت مترجم یا تولیدکنندگان گزارش‌های خبری مقصد در محتوای ایدئولوژیکی متون خبری مبدأ) به چه میزان بر بخش‌های سه‌گانه ساخت معنایی زبان تأثیر گذاشته است. به جدول (۴) و نمودار شکل (۴) دقت نمایید:

جدول ۴. تفکیک تغییرات معنایی حاصل از راهبردهای دخالت ایدئولوژیکی

تغییرات مؤلفه‌های سه‌گانه بخش معنایی	تعداد	درصد
معنای اندیشگانی	۱۱۲۳	۳۴/۸
معنای بینافردی	۱۰۹۵	۳۳/۹
معنای متنی	۱۰۱۳	۳۱/۴
جمع	۳۲۳۱	۱۰۰



شکل ۴. نمودار تفکیک تغییرات معنایی حاصل از راهبردهای دخالت ایدئولوژیکی

جدول و نمودار بالا نشان می‌دهند که معنای اندیشگانی بیشترین تأثیر و معنای متنی کمترین تأثیر را از مجموعه دخالت‌های ایدئولوژیکی مترجم یا تولیدکنندگان متون خبری مقصد پذیرفته‌اند؛ اما این تفاوت-ها جزئی بوده است.

## ۵. ۲. ۲. تحلیل نتایج (آزمون و بررسی فرضیه‌های تحقیق)

پژوهش حاضر در پی پاسخ به سؤالات ذیل بوده است:

**سؤال (۱):** میزان ارتباط بین «نبود همسویی تولیدکنندگان متون خبری مقصد (فارسی) با محتوای ایدئولوژیکی متون خبری مبدأ (انگلیسی)» و «کاربرد ساختارهای واژی- دستوری در متون مقصد» چقدر است؟

**سؤال (۲):** بین «نبود همسویی تولیدکنندگان متون خبری مقصد (فارسی) با محتوای ایدئولوژیکی متون خبری مبدأ (انگلیسی)» و «میزان رازگونگی متون خبری مقصد» چه رابطه‌ای وجود دارد؟

**سؤال (۳):** «میزان استفاده از راهبردهای مختلف دخالت تولیدکنندگان متون خبری مقصد (فارسی) در محتوای ایدئولوژیکی متون خبری مبدأ (انگلیسی)» به‌طور میانگین چقدر است؟

**سؤال (۴):** میزان تأثیرپذیری «بخش‌های مختلف معنایی زبان» از «راهبردهای دخالت تولیدکنندگان متون خبری مقصد (فارسی) در محتوای ایدئولوژیکی متون خبری مبدأ (انگلیسی)» چقدر است؟

برای پاسخ به پرسش‌های بالا فرضیه‌هایی طرح گردیده است که با توسل به شیوه‌های معمول در آمار استنباطی به آزمون آن‌ها مبادرت گردیده است. پژوهش حاضر شامل چهار فرضیه اصلی متناظر با سؤالات بالا می‌باشد که فرضیه‌های اصلی شماره یک و چهار، خود هر یک از سه فرضیه فرعی تشکیل شده‌اند. به عبارت دیگر، در مجموع با ده فرضیه اصلی و فرعی سروکار داشته‌ایم.

با توجه به اینکه برای استفاده از آزمون‌های پارامتری برای نمونه‌هایی با تعداد عضو محدود، توصیه می‌شود که ابتدا از نرمال بودن توزیع متغیر موردنظر اطمینان حاصل شود، بنابراین، با عنایت به حجم نمونه موردبررسی، نداشتن انحراف زیاد از توزیع نرمال برای توجیه انجام آزمون‌های پارامتری کافی است؛ زیرا، طبق قضیه حد مرکزی، با بزرگ شدن نمونه توزیع، داده‌ها به سمت نرمال میل می‌کنند. برای بررسی نرمال بودن اطلاعات از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف (K-S) استفاده می‌کنیم. در هر مرحله، در صورت وجود فرضیه‌های فرعی برای یک فرضیه اصلی، ابتدا فرضیه‌های فرعی مربوط به آن فرضیه اصلی بررسی می‌گردند و سپس، صحت فرضیه اصلی موردقضاوت قرار می‌گیرد.

**بررسی فرضیه اصلی (۱):** برای بررسی رابطه بین «میزان نبود همسویی تولیدکنندگان متون خبری مقصد (فارسی) با محتوای ایدئولوژیکی متون خبری مبدأ (انگلیسی)» و «میزان کاربرد ساختارهای واژی-

دستوری در متون مقصد، از آزمون همبستگی استفاده می‌کنیم. قبل از انجام آزمون، همان‌طور که گفته شد، باید از نرمال بودن داده‌های مربوط به هریک از متغیرهای «میزان نبود همسویی تولیدکنندگان متون خبری مقصد (فارسی) با محتوای ایدئولوژیکی متون خبری مبدأ (انگلیسی)» و «میزان کاربرد عناصر ساخت‌های واژی- دستوری سه‌گانه گذرایی، وجهی و متنی» اطمینان حاصل کنیم. به‌علاوه، برای سهولت کار به‌جای متغیر نخست، از این پس گاهی از صورت خلاصه‌شده «نبود همسویی ایدئولوژیکی ...» استفاده خواهیم کرد. همان‌طور که جدول (۵) نشان می‌دهد، مقدار احتمال برای هر چهار متغیر بیشتر از ۰/۰۵ می‌باشد؛ از این رو، فرضیه صفر مبنی بر پیروی داده‌ها از توزیع نرمال را نمی‌توان با شواهد موجود رد کرد؛ در نتیجه، نمی‌توان ادعا کرد که بین توزیع این داده‌ها و توزیع نرمال تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۵. نتیجه آزمون نرمال بودن متغیرهای میزان «نبود همسویی ایدئولوژیکی ...»، «میزان کاربرد عناصر ساخت گذرایی»، «میزان کاربرد عناصر ساخت وجهی» و «میزان کاربرد عناصر ساخت متنی»

فرضیه نرمال بودن	آماره کولموگروف- اسمیرنف	مقدار احتمال (P-Value)
نبود همسویی ایدئولوژیکی	۰/۷۱	۰/۶۸۸
کاربرد عناصر ساخت گذرایی	۰/۵۸	۰/۸۸۹
کاربرد عناصر ساخت وجهی	۰/۵۱	۰/۹۵۸
کاربرد عناصر ساخت متنی	۰/۵۰	۰/۹۶۵

با توجه به نرمال بودن توزیع داده‌ها، می‌توان از آزمون همبستگی در بررسی فرضیه‌های فرعی (۱-۱)، (۲-۱) و (۳-۱) استفاده کرد. برای بررسی هریک از فرضیه‌ها، ابتدا فرضیه ذکر شده به صورت فرضیه صفر ( $H_0$ ) و فرضیه مقابل ( $H_1$ ) تعریف می‌گردد (که در این مقاله، با هدف ایجاز از ذکر آن‌ها خودداری شده است).

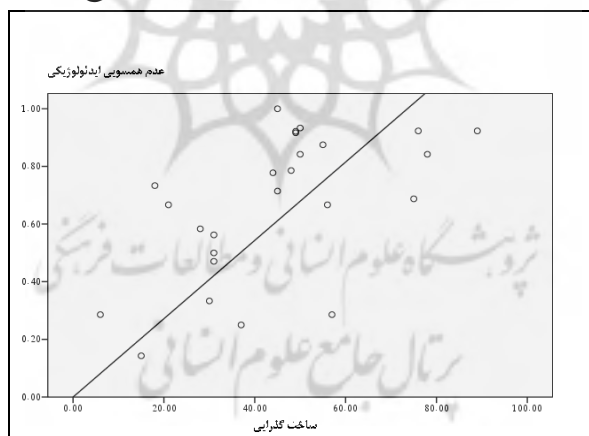
آزمون فرضیه فرعی (۱-۱): «میزان نبود همسویی تولیدکنندگان متون خبری مقصد (فارسی) با محتوای ایدئولوژیکی متون خبری مبدأ (انگلیسی)» با «میزان کاربرد عناصر ساخت گذرایی در متون مقصد» رابطه معناداری دارد.

جدول (۶) نتیجه آزمون فرضیه فرعی (۱-۱) تحقیق را دربردارد:

جدول ۶. نتیجه آزمون فرضیه فرعی (۱-۱)

مقدار احتمال (P-Value)	ضریب همبستگی پیرسون	همبستگی بین «نبود همسویی ایدئولوژیکی» و «میزان کاربرد عناصر ساخت گذرایی»	فرضیه فرعی (۱-۱)
۰/۰۰۲	۰/۵۸		

از آنجایی که مقدار احتمال کمتر از ۰/۰۵ می باشد ( $P\text{-value} = ۰/۰۰۲$ )، فرضیه  $H_0$  مبنی بر نبود همبستگی بین متغیرهای «میزان نبود همسویی تولیدکنندگان متون خبری مقصد (فارسی) با محتوای ایدئولوژیکی متون خبری مبدأ (انگلیسی)» و «میزان کاربرد عناصر ساخت گذرایی در متون مقصد» رد می گردد؛ در نتیجه، می توان با ۹۵٪ اطمینان ادعا کرد که بین متغیرهای ذکر شده همبستگی معنادار و مستقیمی وجود دارد. به عبارت دیگر، فرضیه فرعی (۱-۱) تأیید می شود. شکل (۵) چگونگی این رابطه را نشان می دهد. مطابق این نمودار، با افزایش میزان نبود همسویی ایدئولوژیکی (در دامنه‌ای از صفر تا یک)، میزان تأثیرپذیری عناصر ساخت گذرایی نیز در متن مقصد افزایش می یابد (در بازه‌ای از صفر تا ۱۰۰ بسامد وقوع):



شکل ۵. نمودار پراکنش متغیرهای «نبود همسویی ایدئولوژیکی...» و «میزان کاربرد عناصر ساخت گذرایی»

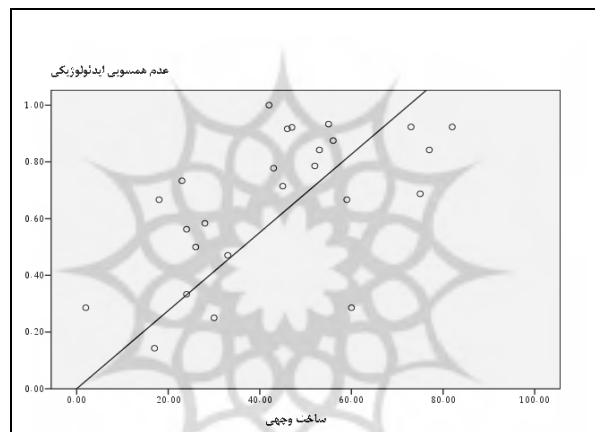
آزمون فرضیه فرعی (۱-۲): «میزان نبود همسویی تولیدکنندگان متون خبری مقصد (فارسی) با محتوای ایدئولوژیکی متون خبری مبدأ (انگلیسی)» با «میزان کاربرد عناصر ساخت وجهی در متون مقصد» رابطه معناداری دارد.

جدول (۷) نتیجه آزمون فرضیه فرعی (۲-۱) تحقیق را دربردارد:

جدول ۷. نتیجه آزمون فرضیه فرعی (۲-۱)

مقدار احتمال (P-Value)	ضریب همبستگی پیرسون	همبستگی بین «نبود همسویی ایدئولوژیکی» و «میزان کاربرد عناصر ساخت وجهی»	فرضیه فرعی (۲-۱)
۰/۰۰۲	۰/۶۰		

نتیجه آزمون مبین تأیید فرضیه فرعی (۲-۱) است. شکل (۶) چگونگی این رابطه را نشان می دهد:



شکل ۶. نمودار پراکنش متغیرهای «نبود همسویی ایدئولوژیکی» و «میزان کاربرد عناصر ساخت وجهی»

آزمون فرضیه فرعی (۳-۱): «میزان عدم همسویی تولیدکنندگان متون خبری مقصد (فارسی) با محتوای ایدئولوژیکی متون خبری مبدأ (انگلیسی)» با «میزان کاربرد عناصر ساخت متنی در متون مقصد» رابطه ای معنی دار دارد.

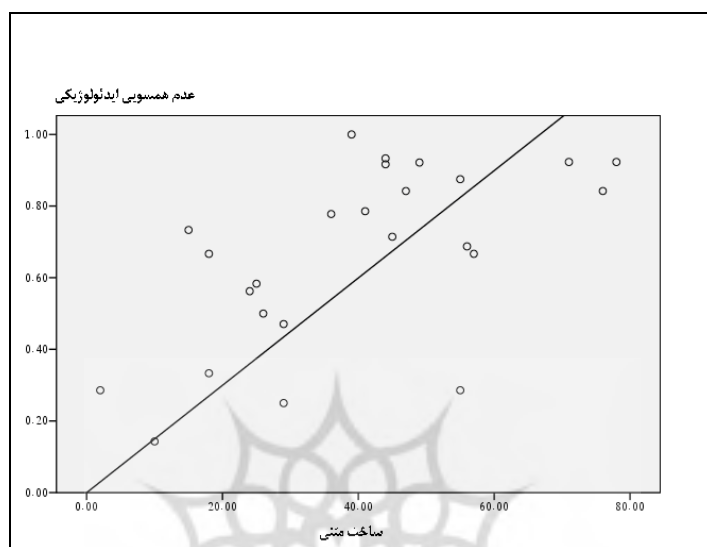
جدول (۸) نتیجه آزمون فرضیه فرعی (۳-۱) تحقیق را دربردارد:

جدول ۸. نتیجه آزمون فرضیه فرعی (۳-۱)

مقدار احتمال (P-Value)	ضریب همبستگی پیرسون	همبستگی بین «عدم همسویی ایدئولوژیکی» و «میزان کاربرد عناصر ساخت متنی»	فرضیه فرعی ۳-۱
۰/۰۰۱	۰/۶۲		

نتیجه آزمون مبین تأیید فرضیه فرعی (۱-۳) است. شکل (۷) نمودار چگونگی این رابطه را نشان

می دهد:



شکل ۷. نمودار پراکنش متغیرهای «عدم همسویی ایدئولوژیکی» و «میزان کاربرد عناصر ساخت متنی»

آزمون فرضیه اصلی (۱): همان طور که جداول (۶)، (۷) و (۸) نشان می دهند، بین «میزان نبود همسویی تولیدکنندگان متون خبری مقصد (فارسی) با محتوای ایدئولوژیکی متون خبری مبدأ (انگلیسی)» و «میزان کاربرد ساختارهای مختلف واژی- دستوری در متون مقصد» رابطه وجود دارد. با توجه به اینکه منظور از ساختارهای مختلف واژی- دستوری، ساخت‌های سه گانه گذرایی، وجهی و متنی است، برای بررسی فرضیه اصلی شماره (۱) رابطه هر یک از ساخت‌های یادشده با نبود همسویی ایدئولوژیکی مورد آزمون قرار گرفت. از آنجایی که در هر سه مورد وجود رابطه تأیید شده است، می توان نتیجه گرفت که فرضیه اصلی شماره (۱) نیز تأیید گردیده است. نتیجه: بین «میزان نبود همسویی تولیدکنندگان متون خبری مقصد (فارسی) با محتوای ایدئولوژیکی متون خبری مبدأ (انگلیسی)» و «میزان کاربرد ساختارهای مختلف واژی- دستوری در متون مقصد» رابطه معناداری وجود دارد. و اما در پاسخ به سؤال (۱) تحقیق با توجه به یافته‌های صفحات پیشین می توان میزان ارتباط بین «میزان نبود همسویی تولیدکنندگان متون خبری

مقصد (فارسی) با محتوای ایدئولوژیکی متون خبری مبدأ (انگلیسی) و «میزان کاربرد عناصر ساختارهای سه گانه گذرایی، وجهی و متنی» را به ترتیب ۰/۵۸، ۰/۶۰ و ۰/۶۲ اعلام کرد.

**بررسی فرضیه اصلی (۲):** برای بررسی رابطه «میزان نبود همسویی تولیدکنندگان متون خبری مقصد (فارسی) با محتوای ایدئولوژیکی متون خبری مبدأ (انگلیسی)» و «میزان رازگونگی متون خبری مقصد» نیز از آزمون همبستگی کمک گرفته ایم. برای محاسبه کمی متغیر «میزان رازگونگی» در فرم‌های استخراج داده‌ها، هر راهبرد ترجمه‌ای (یا پساترجمه‌ای) به یکی از دو مقوله «صریح» یا «پوشیده» متناسب گردیده و در هر گزارش خبری مقصد از محاسبه نسبت «راهبردهای مبین پوشیدگی» به «جمع راهبردهای صریح و پوشیده» متغیر میزان رازگونگی به دست آمده است. مجدداً قبل از انجام آزمون فرضیه‌ها، باید از نرمال بودن داده‌های مربوط به هریک از متغیرهای «نبود همسویی ایدئولوژیکی» و «میزان رازگونگی» اطمینان حاصل کرد. نرمال بودن متغیرها با توسل به آزمون کولموگروف-اسمیرنف بررسی و تأیید گردید (که برای رعایت اختصار، از گزارش آزمون یادشده صرف نظر شده است)؛ به این ترتیب، با توجه به نرمال بودن توزیع داده‌ها، می‌توان از آزمون همبستگی برای بررسی فرضیه اصلی (۲) استفاده کرد.

**آزمون فرضیه اصلی (۲):** بین «میزان نبود همسویی تولیدکنندگان متون خبری مقصد (فارسی) با محتوای ایدئولوژیکی متون خبری مبدأ (انگلیسی)» و «میزان رازگونگی متون خبری مقصد» رابطه معناداری وجود دارد.

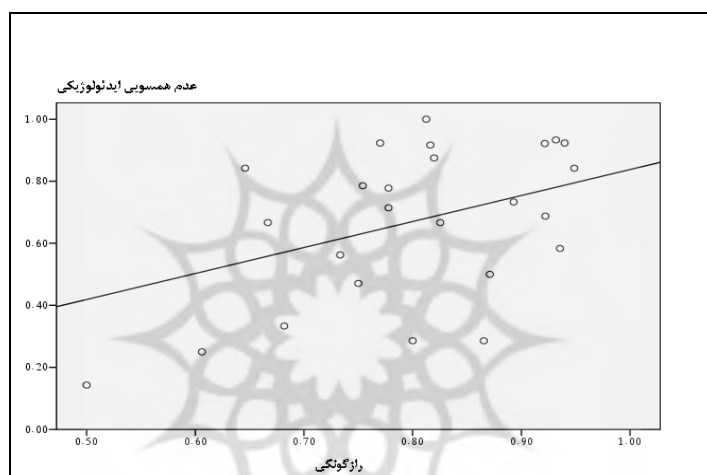
جدول (۹) نتیجه آزمون فرضیه اصلی شماره (۲) تحقیق را نشان می‌دهد:

جدول ۹. نتیجه آزمون فرضیه اصلی (۲)

مقدار احتمال (P-Value)	ضریب همبستگی پیرسون	فرضیه اصلی (۲)
۰/۰۱۰	۰/۵۰	همبستگی بین «نبود همسویی ایدئولوژیکی ...» و «میزان رازگونگی متون خبری مقصد»

از آنجایی که مقدار احتمال کمتر از ۰/۰۵ است ( $P\text{-value} = ۰/۰۱۰$ )، فرضیه  $H_0$  مبنی بر نبود همبستگی بین متغیرهای «میزان نبود همسویی تولیدکنندگان متون خبری مقصد (فارسی) با محتوای ایدئولوژیکی متون خبری مبدأ (انگلیسی)» و «میزان رازگونگی متون خبری مقصد» رد می‌شود؛ در نتیجه،

می‌توان با ۹۵٪ اطمینان ادعا نمود که بین متغیرهای ذکر شده همبستگی معنادار و مستقیمی وجود دارد؛ بنابراین، فرضیه اصلی شماره (۲) تأیید می‌شود؛ به این ترتیب، در پاسخ به سؤال شماره (۲) تحقیق مبنی بر اینکه آیا بین «نبود همسویی تولیدکنندگان متون خبری مقصد (فارسی) با محتوای ایدئولوژیکی متون خبری مبدأ (انگلیسی)» و «میزان رازگونگی متون خبری مقصد» رابطه‌ای وجود دارد یا خیر، می‌توان پاسخ مثبت داد. همان‌طور که جدول (۹) نشان می‌دهد، میزان ارتباط بین این دو متغیر برابر با ۰/۵۰ است. شکل (۸) چگونگی این رابطه را نشان می‌دهد:



شکل ۸ نمودار پراکنش متغیرهای «نبود همسویی ایدئولوژیکی» و «میزان رازگونگی در متون مقصد»

**بررسی فرضیه اصلی (۳):** بین «میزان استفاده از راهبردهای مختلف دخالت تولیدکنندگان متون خبری مقصد (فارسی) در محتوای ایدئولوژیکی متون خبری مبدأ (انگلیسی)» تفاوت معناداری وجود دارد. برای بررسی این فرضیه از آزمون «مقایسه میانگین چند جامعه» استفاده می‌کنیم. قبل از هر چیز، نرمال بودن توزیع متغیرهای «راهبرد تعدیل»، «راهبرد درج»، «شامل درج بیشینه، بخشی و کمینه» و «راهبرد حذف» (شامل حذف بیشینه، بخشی و کمینه) و همگنی واریانس این متغیرها را که پیش شرط‌های استفاده از آزمون پارامتری مقایسه میانگین چند جامعه هستند، بررسی می‌کنیم و در جداول (۱۰) و (۱۱) نشان



می‌دهیم. جدول (۱۰) نتیجه آزمون کولموگروف-اسمیرنف را برای بررسی فرض نرمال بودن توزیع متغیرهای مربوط به راهبردهای مختلف دخالت تولیدکنندگان متون خبری مقصد در محتوای ایدئولوژیکی متون خبری مبدأ نشان می‌دهد:

جدول ۱۰. نتیجه آزمون نرمال بودن متغیرهای راهبردهای مختلف دخالت ایدئولوژیکی در متون خبری مقصد

فرضیه نرمال بودن	آماره کولموگروف-اسمیرنف	مقدار احتمال (P-Value)
راهبرد تعدیل (تغییر)	۰/۷۹	۰/۵۵۴
راهبرد حذف	۰/۷۹	۰/۵۵۹
راهبرد درج	۰/۷۰	۰/۷۰۹

از آنجایی که مقدار احتمال برای هر سه متغیر «راهبرد تعدیل»، «راهبرد حذف» و «راهبرد درج» بیشتر از ۰/۰۵ است، فرضیه صفر مبنی بر پیروی داده‌ها از توزیع نرمال را نمی‌توان با شواهد موجود رد کرد؛ در نتیجه، نمی‌توان ادعا کرد که بین توزیع داده‌های مربوط به این سه متغیر و توزیع نرمال تفاوت معناداری وجود دارد. جدول (۱۱) نتیجه آزمون لَوْن را برای بررسی فرض همگنی واریانس‌های داده‌ها که از شروط استفاده از آزمون مقایسه میانگین چند جامعه است، نشان می‌دهد:

جدول ۱۱. نتیجه آزمون لَوْن برای بررسی همگنی واریانس متغیرهای راهبردهای

دخالت ایدئولوژیکی در متون خبری مقصد

همگنی واریانس‌ها	آماره لَوْن	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	مقدار احتمال (P-Value)
	۷/۵۳	۲	۷۲	۰/۰۰۱

از آنجایی که مقدار احتمال کمتر از ۰/۰۵ است ( $P\text{-value} = ۰/۰۰۱$ )، فرض صفر مبنی بر همگنی واریانس متغیرهای «راهبرد تعدیل»، «راهبرد درج» و «راهبرد حذف» رد می‌گردد؛ در نتیجه، می‌توان با ۹۵٪ اطمینان ادعا کرد که این واریانس‌ها همگن نیستند؛ از این رو، به دلیل اینکه شرط همگنی واریانس‌ها برای

متغیرهای مورد بررسی برقرار نیست، از آزمون ولج<sup>۱</sup> که در چنین مواردی نتایج قابل اطمینانی را ارائه می دهد، برای بررسی فرضیه اصلی شماره (۳) استفاده می کنیم. جدول (۱۲) نتیجه آزمون ولج را نشان می دهد:

جدول ۱۲. نتیجه آزمون ولج برای فرضیه اصلی شماره (۳)

مقدار احتمال (P-Value)	درجه آزادی ۲	درجه آزادی ۱	آماره ولج	انحراف معیار	میانگین	راهبرد دخالت	مقایسه میانگین راهبردهای مختلف دخالت ایدئولوژیکی
۰/۰۰۱	۴۵/۰۷	۲	۸/۴۷	۴/۰	۷/۶	تعدیل	
				۸/۵	۱۴/۲	حذف	
				۳/۸	۶/۶	درج	

از آنجایی که مقدار احتمال کمتر از ۰/۰۵ است ( $P\text{-value} = ۰/۰۰۱$ )، فرضیه  $H_0$  مبنی بر تساوی میانگین متغیرهای راهبرد تعدیل، راهبرد درج و راهبرد حذف رد می گردد؛ در نتیجه، با ۹۵٪ اطمینان می توان ادعا نمود که حداقل بین دو مورد از میانگین های ذکر شده تفاوت معناداری وجود دارد؛ اما در این مرحله هنوز نمی دانیم که آن دو مورد کدام هستند. برای اطلاع از اینکه تفاوت مشاهده شده بین میانگین های کدام متغیرها وجود دارد، از آزمون تعقیبی «تام هنس»<sup>۲</sup> استفاده می کنیم. نتیجه این آزمون در جدول (۱۳) آورده شده است (علامت ستاره به معنای معنادار بودن نتایج است):

جدول ۱۳. نتیجه آزمون تام هنس برای فرضیه اصلی شماره (۳)

مقدار احتمال (P-Value)	تفاوت میانگین های گروه اول و گروه دوم	گروه دوم	گروه اول
۰/۰۰۳	$-۶/۳۸^*$	حذف	تعدیل
۰/۷۴۶	۱/۰۰	درج	
۰/۰۰۳	$۶/۳۸^*$	تعدیل	حذف
۰/۰۰۱	$۷/۶۸^*$	درج	
۰/۷۴۶	-۱/۰۰	تعدیل	درج
۰/۰۰۱	$-۷/۳۸^*$	حذف	

1 Welch Test

2 Tamhane's T2 Posthoc Multiple Comparison

همانطور که جدول (۱۳) نشان می‌دهد، نتیجه آزمون فرضیه اصلی شماره (۳) آن است که میانگین موارد مداخله در راهبرد «حذف» از راهبردهای «تعدیل» و «درج» بیشتر است؛ اما بین میانگین موارد مداخله در راهبردهای «تعدیل» و «درج» تفاوت معناداری مشاهده نمی‌شود؛ به این ترتیب، همان‌طور که ملاحظه می‌کنید، برخلاف دو فرضیه اصلی قبلی، نتیجه آزمون فرضیه اصلی شماره (۳) را نمی‌توان در یک پاسخ سلبی / ایجابی بله یا خیر خلاصه کرد. اینک در پاسخ به سؤال شماره (۳) تحقیق مبنی بر «میزان استفاده از راهبردهای مختلف دخالت تولیدکنندگان متون خبری مقصد (فارسی) در محتوای ایدئولوژیکی متون خبری مبدأ (انگلیسی)» به‌طور میانگین چقدر است، می‌توان به نتایج جدول شماره (۱۲) ارجاع داد که مطابق آن، میانگین میزان استفاده از راهبردهای «تعدیل»، «حذف» و «درج» به ترتیب برابر با ۷/۶، ۱۴/۲ و ۶/۶ است.

**بررسی فرضیه اصلی (۴):** برای بررسی تأثیر «راهبردهای دخالت تولیدکنندگان متون خبری مقصد (فارسی) در محتوای ایدئولوژیکی متون خبری مبدأ (انگلیسی)» بر «بخش‌های مختلف معنایی زبان» از آزمون همبستگی کمک می‌گیریم. نرمال بودن داده‌های متغیرها با توسل به آزمون کولموگروف-اسمیرنوف بررسی و تأیید گردید؛ به این ترتیب، با توجه به نرمال بودن توزیع داده‌ها، می‌توان از آزمون همبستگی برای بررسی فرضیه‌های فرعی (۱-۴)، (۲-۴) و (۳-۴) استفاده کرد.

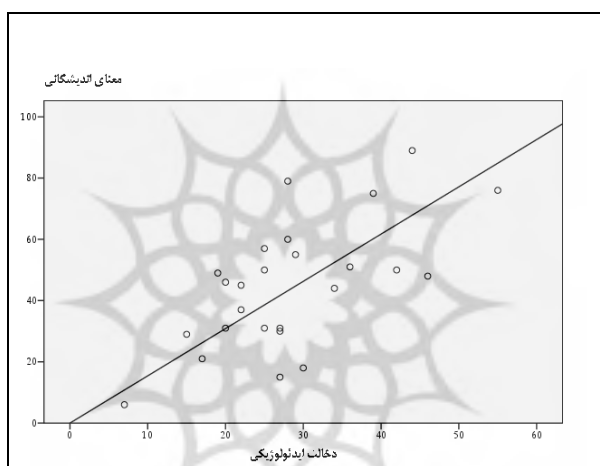
**آزمون فرضیه فرعی (۱-۴):** «راهبردهای دخالت تولیدکنندگان متون خبری مقصد (فارسی) در محتوای ایدئولوژیکی متون خبری مبدأ (انگلیسی)» به‌گونه‌ای معنادار بر «معنای اندیشگانی زبان» تأثیر می‌گذارد.

جدول (۱۴) نتیجه آزمون فرضیه فرعی (۱-۴) تحقیق را در بردارد:

جدول ۱۴. نتیجه آزمون فرضیه فرعی (۱-۴)

مقدار احتمال (P-Value)	ضریب همبستگی پیرسون	همبستگی بین «راهبردهای دخالت ایدئولوژیکی ...» و «معنای اندیشگانی زبان»	فرضیه فرعی (۱-۴)
۰/۰۰۱	۰/۶۴		

از آنجایی که مقدار احتمال کمتر از  $0/05$  است ( $P\text{-value} = 0/001$ )، فرضیه  $H_0$  مبنی بر نبود همبستگی بین متغیرهای «راهبردهای دخالت تولیدکنندگان متون خبری مقصد (فارسی) در محتوای ایدئولوژیکی متون خبری مبدأ (انگلیسی)» و «معنای اندیشگانی زبان» رد می‌گردد؛ در نتیجه، می‌توان با  $95\%$  اطمینان ادعا کرد که بین متغیرهای ذکر شده همبستگی معنادار و مستقیمی وجود دارد؛ بنابراین، فرضیه فرعی (۴-۱) تأیید می‌گردد. شکل (۹) چگونگی این رابطه را به تصویر می‌کشد. مطابق نمودار، با افزایش تعداد راهبردهای دخالت (در دامنه‌ای از صفر تا ۱۰۰ بسامد وقوع)، میزان (تعداد دفعات) تأثیرپذیری معنای اندیشگانی زبان نیز (در همان بازه صفر تا ۱۰۰) افزایش می‌یابد:



شکل ۹. نمودار پراکنش متغیرهای «راهبردهای دخالت ایدئولوژیکی ...» و «معنای اندیشگانی زبان»

آزمون فرضیه فرعی (۴-۲): «راهبردهای دخالت تولیدکنندگان متون خبری مقصد (فارسی) در محتوای

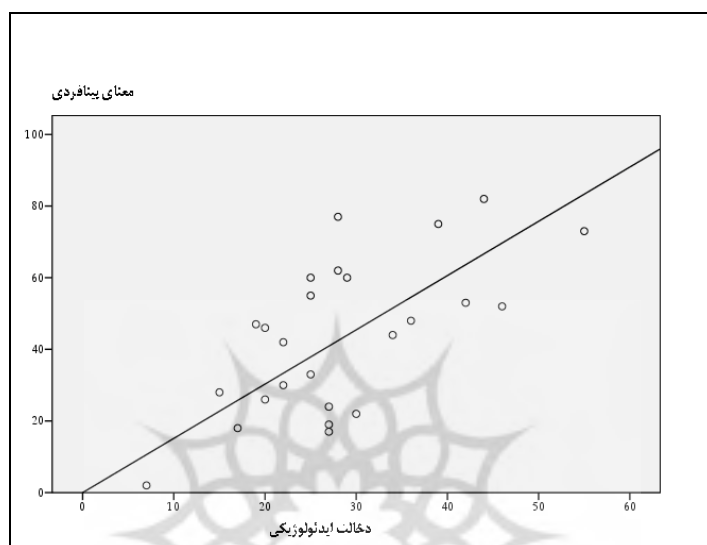
ایدئولوژیکی متون خبری مبدأ (انگلیسی)» به گونه‌ای معنادار بر «معنای بینافردی زبان» تأثیر می‌گذارند.

جدول (۱۵) نتیجه آزمون فرضیه فرعی (۴-۲) تحقیق را دربردارد:

جدول ۱۵. نتیجه آزمون فرضیه فرعی (۴-۲)

مقدار احتمال (P-Value)	ضریب همبستگی پیرسون	همبستگی بین «راهبردهای دخالت ایدئولوژیکی ...» و «معنای بینافردی زبان»	فرضیه فرعی (۴-۲)
۰/۰۰۰۴	۰/۶۵		

نتیجه آزمون مبین تأیید فرضیه فرعی (۳-۴) است. شکل (۱۰) چگونگی این رابطه را نشان می‌دهد. به‌وضوح می‌توان مشاهده کرد که با افزایش تعداد راهبردهای دخالت ایدئولوژیکی، دفعات تأثیرپذیری معنای بینافردی زبان نیز افزایش می‌یابد.



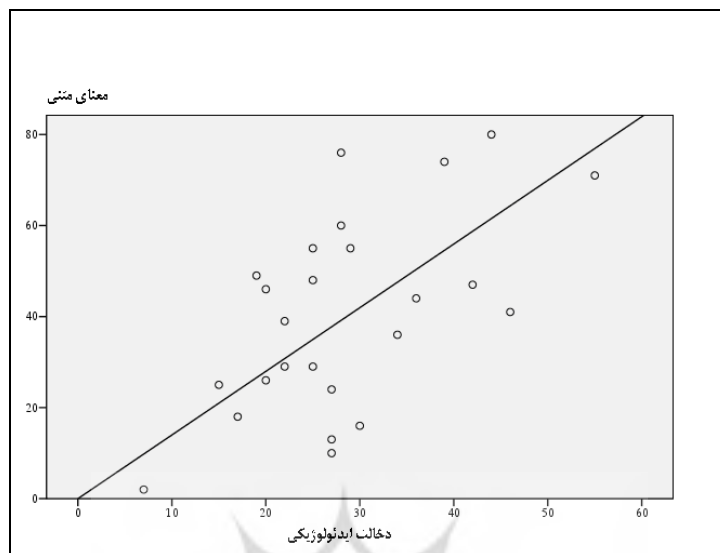
شکل ۱۰. نمودار پراکنش متغیرهای «راهبردهای دخالت ایدئولوژیکی...» و «معنای بینافردی زبان»

آزمون فرضیه فرعی (۳-۴): «راهبردهای دخالت تولیدکنندگان متون خبری مقصد (فارسی) در محتوای ایدئولوژیکی متون خبری مبدأ (انگلیسی)» به‌گونه‌ای معنادار بر «معنای متنی زبان» تأثیر می‌گذارند. جدول (۱۶) نتیجه آزمون فرضیه فرعی (۳-۴) تحقیق را دربردارد:

جدول ۱۶. نتیجه آزمون فرضیه فرعی (۳-۴)

مقدار احتمال (P-Value)	ضریب همبستگی پیرسون	همبستگی بین «راهبردهای دخالت ایدئولوژیکی...» و «معنای متنی زبان»	فرضیه فرعی (۳-۴)
۰/۰۰۲	۰/۵۹		

نتیجه آزمون مبین تأیید فرضیه فرعی (۳-۴) است. شکل (۱۱) چگونگی این رابطه را نشان می‌دهد:



شکل ۱۱. نمودار پراکنش متغیرهای «راهبردهای دخالت ایدئولوژیکی...» و «معنای متنی زبان»

آزمون فرضیه اصلی (۴): «راهبردهای دخالت تولیدکنندگان متون خبری مقصد (فارسی) در محتوای ایدئولوژیکی متون خبری مبدأ (انگلیسی)» به گونه‌ای معنادار بر «بخش‌های مختلف معنایی زبان» تأثیر می‌گذارند.

با توجه به اینکه منظور از بخش‌های مختلف معنایی زبان، معانی سه‌گانه اندیشگانی، بینافردی و متنی است، برای بررسی فرضیه اصلی شماره (۴)، تأثیر متغیر «راهبردهای دخالت ایدئولوژیکی...» بر هر یک از بخش‌های بالا، در بخش‌های پیشین در قالب سه فرضیه فرعی موردآزمون قرار گرفت. از آنجایی که در هر سه مورد وجود تأثیر معنادار تأیید شده است، می‌توان نتیجه گرفت که فرضیه اصلی شماره (۴) نیز به طریق اولی تأیید گردیده است؛ به این ترتیب، در پاسخ به سؤال شماره (۴) تحقیق مبنی بر اینکه میزان تأثیرپذیری «بخش‌های مختلف معنایی زبان» از «راهبردهای دخالت تولیدکنندگان متون خبری مقصد (فارسی) در محتوای ایدئولوژیکی متون خبری مبدأ (انگلیسی)» چقدر است، می‌توان چنین گفت که با توجه به نتایج گزارش شده در جداول (۱۴)، (۱۵) و (۱۶)، میزان تأثیر راهبردهای دخالت ایدئولوژیکی... بر معانی سه-گانه اندیشگانی، بینافردی و متنی به ترتیب برابر با ۰/۶۴، ۰/۶۵ و ۰/۵۹ است.

## ۶. بحث و نتیجه‌گیری

همان‌طور که مشاهده شد، نتایج تحلیل‌های آماری توصیفی، مبین برخورد ایدئولوژیکی مترجم یا تولیدکنندگان متون مقصد در انعکاس اخبار خارجی (انگلیسی) در رسانه‌های فارسی‌زبان بوده‌اند. اینک پرسش آن است که دخالت ناشی از تعارض یا نبود همسویی ایدئولوژیکی بین تولیدکنندگان متون مبدأ و مقصد چگونه در لایه‌های مختلف زبان بروز می‌کند. در چارچوب زبان‌شناسی سازگانی - نقش‌گرا، زبان از دو لایه اصلی «واژی- دستوری» و «معنایی» تشکیل می‌شود. فرضیه اصلی شماره (۱) تحقیق به دنبال پاسخ به این پرسش بوده است که کدام‌یک از بخش‌های لایه واژی- دستوری زبان تأثیر بیشتری از نبود همسویی ایدئولوژیکی تولیدکنندگان گزارش‌های خبری مبدأ و مقصد و دخالت‌های ناشی از آن می‌پذیرند و آیا اساساً ساخت‌های سه‌گانه «گذرایی»، «وجهی» و «متنی» از این جهت تفاوت معناداری از خود نشان می‌دهند یا خیر؟ نتایج آزمون همبستگی انجام‌شده نشان می‌دهد که میزان کاربرد عناصر ساخت‌های سه‌گانه ذکرشده جملگی با میزان نبود همسویی ایدئولوژیکی رابطه مستقیم و معنادار دارد. درعین‌حال، ضرایب همبستگی به‌دست‌آمده به هم نزدیک هستند: ۰/۵۸، ۰/۶۰ و ۰/۶۲ (به ترتیب، برای کاربرد عناصر ساخت‌های گذرایی، وجهی و متن). براساس جدول «تفسیر دلخواه کلامی ضریب همبستگی پیرسون» (رجوع کنید به مورهاوس و استول، ۱۳۷۱، ص. ۳۰۵)، رابطه همبستگی بین «میزان نبود همسویی ایدئولوژیکی ...» و «میزان کاربرد (یا تأثیرپذیری) عناصر ساخت گذرایی» رابطه‌ای «متوسط و نسبتاً قابل-قبول» تلقی می‌گردد؛ درحالی‌که همین رابطه در مورد ساخت‌های وجهی و متن در دامنه «همبستگی خوب» قرار می‌گیرد. در این میان، بالاتر بودن ضریب همبستگی در مورد ساخت متنی جالب‌توجه به نظر می‌رسد. درحالی‌که هاوس مکرراً (مثلاً در هاوس، ۲۰۰۱، ب، ص. ۲۴۷) دست‌یابی به تعادل نقشی را صرفاً منوط به انتقال معانی «اندیشگانی» و «بینافردی» قلمداد کرده و از معنای «متنی» زبان غافل مانده است، نتیجه آزمون فرضیه اصلی شماره (۱) نشان می‌دهد که ساخت متنی زبان (که مستقیماً متناظر با معنای متنی زبان است) در مقایسه با دو ساخت گذرایی و وجهی (که جایگاه تحقق معانی «اندیشگانی» و «بینافردی» هستند)، تأثیر بیشتری از میزان نبود همسویی ایدئولوژیکی بین تولیدکنندگان متون مبدأ و مقصد پذیرفته است؛ به این ترتیب، با آنکه در مقام نظر، ساخت گذرایی (و معنا و نقش اندیشگانی متناظر با آن) را «بازتاب درک و دریافت ما از واقعیت» دانسته‌اند و همواره مطرح شده است که ساخت یادشده «چگونگی نگرش

ما را نسبت به جهان رقم می‌زند» (هلیدی، ۱۹۸۵، صص. ۲۹-۲۸) و «جهان‌بینی گوینده را منتقل می‌کند» (فاولر، ۱۳۸۱، ص. ۸۴) و با وجود آنکه ساخت وجهی زبان (و به طریق اولی، معنا و نقش بینافردي متناظر با آن) در موضع نظر، نوع رابطه اجتماعی بین متعاملان رویدادهای کلامی را تنظیم می‌کند (هلیدی، ۱۹۸۵، ص. ۵۳) و به «روابط قدرت» ارتباط می‌یابد، نتیجه آزمون فرضیه فرعی شماره (۱-۳) و فرضیه اصلی شماره (۱) مبین آن است که ساخت متنی زبان نیز می‌تواند محملی برای ظهور ایدئولوژی باشد. به سخن دیگر، «همه سطوح لایه واژی- دستوری زبان از ایدئولوژی تأثیر می‌پذیرند» و «این تأثیرپذیری منحصر به ساخت‌های گذرایی و وجهی نیست». نتیجه آزمون اصلی شماره (۴) نیز با یافته حاصل از آزمون فرضیه (۱) همسویی دارد.

فرضیه اصلی شماره (۲) مبنی بر اینکه بین «میزان نبود همسویی تولیدکنندگان متون خبری مقصد (فارسی) با محتوای ایدئولوژیکی متون خبری مبدأ (انگلیسی)» و «میزان رازگونگی متون خبری مقصد» رابطه وجود دارد، برای پاسخ به این پرسش تحقیق طرح گردیده است که آیا اصولاً متغیر «میزان نبود همسویی ایدئولوژیکی بین تولیدکنندگان متون مبدأ و مقصد» بر «میزان صراحت بیان» در گزارش‌های خبری مقصد تأثیر می‌گذارد یا خیر؟ نتایج آزمون همبستگی انجام‌شده نشان می‌دهد که «نبود همسویی ایدئولوژیکی ...» با «میزان رازگونگی» رابطه مستقیم و معناداری دارد؛ هرچند میزان این رابطه (۰/۵۰) رابطه- ای «متوسط» (و «نسبتاً قابل قبول») تفسیر می‌گردد؛ به این ترتیب، می‌توان یافته حاصل از آزمون فرضیه اصلی شماره (۲) را به این ترتیب جمع‌بندی نمود که: «نبود همسویی ایدئولوژیکی بین مترجم یا تولیدکنندگان گزارش‌های خبری مقصد با مؤلف یا تولیدکنندگان گزارش‌های خبری مبدأ از میزان صراحت بیان در متون مقصد می‌کاهد و بر میزان ابهام می‌افزاید». تبیین این یافته در چارچوب الگوی «مربع ایدئولوژیکی» (ون- دایک، ۱۹۹۸ الف) مبین آن است که در نمونه آماری موردبررسی این تحقیق نوع گزارش واقعیت در متون خبری مبدأ (انگلیسی) به گونه‌ای با منافع ایدئولوژیکی مترجم یا تولیدکنندگان متون مقصد (فارسی) تعارض داشته که واکنش سلبی آن‌ها را برانگیخته است؛ به طوری که جنبه‌های سلبی الگوی «مربع ایدئولوژیکی» (یعنی رفع تأکید از ابعاد منفی «ما» و ابعاد مثبت «آن‌ها») را در صافی ایدئولوژیکی فعال نموده است. یافته بالا زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که به خاطر آوریم رسانه‌های همگانی دائماً مأموریت خود



را انعکاس صریح و بی‌پرده وقایع خبری بیان می‌کنند و در مقام نظر، هر نوع پرده‌پوشی را در کار حرفه‌ای روزنامه‌نگاری مذمت می‌کنند.

یکی از اهداف تحقیق حاضر، شناسایی (و طبقه‌بندی) راهبردهایی بوده است که برای دخالت ایدئولوژیکی در محتوای متون خبری مبدأ (انگلیسی) در متون مقصد به‌کار گرفته می‌شوند. فرضیه اصلی شماره (۳) مبنی بر اینکه «بین میزان استفاده از راهبردهای مختلف دخالت تولیدکنندگان متون خبری مقصد (فارسی) در محتوای ایدئولوژیکی متون خبری مبدأ (انگلیسی) تفاوت معناداری وجود دارد، در راستای تحقق این هدف و برای پاسخ به پرسش شماره (۳) طرح گردیده است؛ اینکه «آیا بین راهبردهای مختلف دخالت ایدئولوژیکی ... مورد استفاده در تولید متون خبری مقصد تفاوتی وجود دارد» یا خیر؟ نتیجه آزمون فرضیه اصلی شماره (۳) مبین پاسخی دووجهی به این سؤال است: از میان سه راهبرد دخالت در محتوای ایدئولوژیکی متون مبدأ، راهبرد «حذف» به‌طور میانگین بیش از دو راهبرد «تعدیل» و «درج» توسط مترجمان یا تولیدکنندگان متون مقصد استفاده شده است؛ اما بین میانگین استفاده از دو راهبرد «تعدیل» و «درج» تفاوت معناداری مشاهده نمی‌شود. در پاسخ به سؤال شماره (۳) در خصوص «میزان استفاده از راهبردهای مختلف دخالت تولیدکنندگان متون خبری مقصد (فارسی) در محتوای ایدئولوژیکی متون خبری مبدأ (انگلیسی)» پیش‌تر گفته شد که میانگین میزان استفاده از راهبردهای «حذف»، «تعدیل» و «درج» به ترتیب برابر با  $14/2$ ،  $7/6$  و  $6/6$  بوده است. تفسیر این اعداد آن است که به‌عنوان مثال، راهبرد «حذف» به‌طور میانگین بیش از ۱۴ بار در تولید هر یک از گزارش‌های خبری مقصد به‌خدمت گرفته شده است. همان‌طور که مشاهده می‌کنید، راهبرد تعدیل بیش از درج به‌کار گرفته شده است؛ اما این تفاوت معنادار نیست؛ به‌این ترتیب، می‌توان به این نتیجه کلی رسید که رویکرد مترجمان یا تولیدکنندگان گزارش‌های خبری مقصد در انعکاس رویدادهای خبری مبدأ رویکردی عمدتاً «سلبی» بوده است.

و اما فرضیه اصلی شماره (۴) مبنی بر اینکه «راهبردهای دخالت تولیدکنندگان متون خبری مقصد (فارسی) در محتوای ایدئولوژیکی متون خبری مبدأ (انگلیسی)» بر «بخش‌های مختلف معنایی زبان تأثیر می‌گذارند»، با هدف تعیین پیامدهای معناشناختی کاربرد راهبردهای دخالت تولیدکنندگان متون خبری مقصد (فارسی) در محتوای ایدئولوژیکی متون خبری مبدأ (انگلیسی) طرح گردیده است. پرسش آن است که میزان تأثیرپذیری «بخش‌های مختلف معنایی زبان» از «راهبردهای دخالت تولیدکنندگان متون خبری

مقصد (فارسی) در محتوای ایدئولوژیکی متون خبری مبدأ (انگلیسی) چقدر است (سؤال شماره ۴)؟ به- سخن دیگر، آیا بخش‌های سه‌گانه بخش معنایی زبان (شامل معانی اندیشگانی، بینافردی و متنی) به شکلی نظام‌مند از راهبردهای دخالت در محتوای ایدئولوژیکی متون مبدأ تأثیر می‌گیرند؟ برای بررسی فرضیه یادشده، با انجام آزمون همبستگی تأثیر متغیر «راهبردهای دخالت ایدئولوژیکی ...» بر هریک از بخش‌های سه‌گانه معنایی در قالب فرضیه‌های فرعی موردآزمون قرار گرفت که وجود رابطه همبستگی مثبت و معنادار بین متغیر ذکرشده و هر سه معنای اندیشگانی، بینافردی و متنی به‌تأیید رسید؛ بنابراین، از برآیند نتایج آزمون فرضیه‌های فرعی یادشده، فرضیه اصلی شماره (۴) تأیید گردید و این نتیجه حاصل شد که «راهبردهای دخالت تولیدکنندگان متون خبری مقصد (فارسی) در محتوای ایدئولوژیکی متون خبری مبدأ (انگلیسی)» بر همه بخش‌های معنایی زبان تأثیر می‌گذارند. درعین‌حال، بین میزان تأثیرپذیری بخش‌های معنایی مختلف از راهبردهای دخالت ایدئولوژیکی ... تفاوت معناداری مشاهده نشده است؛ پس، نمی‌توان این نتیجه را تعمیم داد که مثلاً معنای بینافردی بیش از معانی دیگر تحت‌تأثیر دخالت ایدئولوژیکی تولیدکنندگان متون مقصد قرار گرفته است؛ به‌این‌ترتیب، در پاسخ به سؤال شماره (۴) مبنی بر اینکه میزان تأثیرپذیری «بخش‌های مختلف معنایی زبان» از «راهبردهای دخالت تولیدکنندگان متون خبری مقصد (فارسی) در محتوای ایدئولوژیکی متون خبری مبدأ (انگلیسی)» چقدر است، می‌توان چنین گفت که با عنایت به نتایج گزارش‌شده، میزان تأثیر راهبردهای دخالت ایدئولوژیکی ... بر معنای اندیشگانی، بینافردی و متنی به‌ترتیب برابر با ۰/۶۴، ۰/۶۵ و ۰/۵۹ است. تفسیر این ضرایب حاکی از آن است که درمورد معنای اندیشگانی و بینافردی شاهد رابطه همبستگی مثبت و «خوب» هستیم؛ اما درمورد معنای متنی شاهد همبستگی مثبت «متوسط و نسبتاً قابل قبول» می‌باشیم که همان‌طور که گفتیم، تفاوت ضرایب همبستگی ذکرشده در بالا با یکدیگر معنادار نیستند. این یافته یکی از یافته‌های بنیادین الگوی ارزیابی کیفیت ترجمه هاوس را به چالش پرسش می‌کشد. هاوس مکرراً و به دفعات «نقش منحصربه‌فرد متن» را برآیند صرف معنای اندیشگانی و بینافردی دانسته است و به‌تبع آن، نیل به تعادل نقشی را تنها منوط به انتقال معنای اندیشگانی و بینافردی تلقی نموده است و معنای «متنی» زبان را در ایجاد نقش و تحقق تعادل نقشی دخیل نمی‌داند (هاوس، ۱۹۹۷، صص. ۴۲، ۵۳، ۶۱، ۱۱۰؛ ۲۰۰۱الف، ص. ۱۴۹؛ ۲۰۰۱ب، ص. ۲۴۷). وی در توجیه اغماض از معنا و کارکرد متنی زبان از دیدگاه لیچ (۱۹۸۳، ص. ۵۷) بهره می‌برد؛ مبنی بر اینکه معنا و

کارکرد متنی زبان برخلاف دو نوع معنا و کارکرد دیگر به «کاربرد» زبان مربوط نمی‌شود؛ بلکه صرفاً به سازمان درونی زبان ارتباط می‌یابد و نتیجه می‌گیرد که نظام معنایی مورد نظر هلیدی نیز هم‌راستا با آراء دیگرانی همچون پوپر و بوهرلر، در اساس «کاربردهای زبان را صرفاً به دو نوع کاربرد ارجاعی (اندیشگانی) و غیرارجاعی (بینافردی) تقسیم می‌کند» (هاوس، ۱۹۹۷، ص. ۳۵). نتایج آزمون فرضیه اصلی شماره (۳) به روشنی نشان می‌دهد که در گزارش‌های خبری مقصد (فارسی) معنای متنی زبان نیز همچون معانی دیگر به‌گونه‌ای معنا دار از میزان نبود همسویی مترجم (یا تولیدکنندگان متون مقصد) با محتوای ایدئولوژیک متون مبدأ تأثیر می‌پذیرد. این بدان معنا است که معنای متنی زبان می‌تواند محملی برای انتقال ایدئولوژی باشد و از آنجایی که انتقال ایدئولوژی‌ها، نگرش‌ها، بینش‌ها و برداشت‌های فکری از طریق زبان نوعی «کنش گفتاری» به‌شمار می‌آید (زیرا بر مخاطب «اثر» می‌گذارد و در «کاری» که متن یا رویداد ارتباطی به‌انجام می‌رساند، دخیل می‌شود)، می‌توان نتیجه گرفت که معنای متنی زبان نیز در کنار معانی اندیشگانی و بینافردی در ایجاد نقش (یا نقش‌های) کارکردی رویدادهای ارتباطی سهیم می‌شود و از این‌رو، نمی‌توان آن را در الگوهای تحلیل و نقد ترجمه نادیده گرفت و در تحلیل میزان دست‌یابی به تعادل نقشی لحاظ نکرد. در تأیید این یافته می‌توان از دیدگاه خود هلیدی نیز بهره گرفت. وی در مورد ترتیب اولویت مؤلفه‌های سه‌گانه معنی در ترجمه و در ارزیابی کیفیت ترجمه بالاترین اولویت را برای معنای اندیشگانی زبان قائل می‌شود؛ اما به‌وضوح اشاره می‌کند که «چنانچه نیل به معنای اندیشگانی معادل در ترجمه محقق شود اما از نظر معنای بینافردی یا متنی یا هر دوی آن‌ها رابطه تعادلی برقرار نگردد، ترجمه با کیفیتی حاصل نخواهد شد» (هلیدی، ۲۰۰۱، ص. ۱۶). همان‌گونه که فاولر تصریح نموده است، از دیدگاه هلیدی معانی و «فرانقش‌های سه‌گانه» زبان بدیل یکدیگر نیستند بلکه توأمان و هم‌زمان عمل می‌کنند» (فاولر، ۱۳۸۱، ص. ۸۵)؛ بنابراین، نمی‌توان آن‌گونه که هاوس مدعی گردیده است، نقش متن را به معنای و نقش‌های اندیشگانی و بینافردی تقلیل داد و از تأثیرگذاری معنی (و نقش) متنی غافل گردید.

به‌طور کلی، می‌توان یافته‌های تحقیق حاضر را به‌صورت ذیل جمع‌بندی و فهرست نمود:

۱. واکنش مترجم یا تولیدکنندگان متون خبری مقصد (فارسی) در برابر رویدادهای خبری مبدأ (انگلیسی) در بیشتر موارد مبین رفتاری ایدئولوژیکی بوده است؛

۲. درصد بسیار پایینی از رویدادهای خبری مقصد (فارسی) را می‌توان در زمره «ترجمه» قرار داد. در بیشتر موارد، یا رویداد مبدأ به کلی از متن مقصد حذف می‌شود یا دستخوش جرح و تعدیلاتی می‌گردد که عموماً بر نقش کارکردی محصول متنی نهایی تأثیر می‌گذارد؛ به‌گونه‌ای که باید رویداد مقصد را «دگرگفتی» از رویداد مبدأ به‌شمار آورد؛ نه ترجمه آن؛

۳. در جریان ترجمه (یا تولید متون خبری مقصد)، سطوح مختلف لایه واژی- دستوری زبان (مشمول بر ساختارهای سه‌گانه گذرایی، وجهی و متنی) جملگی از ایدئولوژی تأثیر می‌پذیرند و این تأثیرپذیری منحصر به ساخت‌های گذرایی و وجهی نیست؛

۴. به‌عنوان یک قاعده کلی، نبود همسویی ایدئولوژیکی بین مترجم یا تولیدکنندگان گزارش‌های خبری مقصد با مؤلف یا تولیدکنندگان گزارش‌های خبری مبدأ از میزان صراحت بیان در متون مقصد می‌کاهد و بر میزان ابهام می‌افزاید؛

۵. از میان سه راهبرد دخالت در محتوای ایدئولوژیکی گزارش‌های خبری مبدأ، راهبرد «حذف» به‌طور میانگین بیش از دو راهبرد «تعدیل» و «درج» توسط مترجمان یا تولیدکنندگان متون مقصد استفاده شده است؛ اما بین میانگین استفاده از دو راهبرد «تعدیل» و «درج» تفاوت معناداری مشاهده نمی‌شود؛

۶. برخلاف تصور، معنای متنی زبان نیز می‌تواند مَحملی برای انتقال ایدئولوژی باشد و درکنار معانی اندیشگانی و بینافردی در ایجاد نقش‌های کارکردی رویدادهای ارتباطی سهم‌گردد و بنابراین، باید آن را در الگوهای تحلیل و نقد ترجمه گنجانید و در تحلیل میزان دست‌یابی به تعادل نقشی لحاظ نمود.

#### کتابنامه

- خان‌جان، ع. (۱۳۹۰). پیشنهاد الگویی برای تحلیل انتقادی ترجمه. فصلنامه زبان و ترجمه، ۴۴(۲)، ۹۳-۱۲۷.
- خان‌جان، ع. (۱۳۹۱). ایدئولوژی در ترجمه متون خبری: رویکرد تحلیل انتقادی گفتمان. (رساله دکتری زبان‌شناسی همگانی)، دانشگاه اصفهان، ایران.
- دلاور، ع. (۱۳۷۸). مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی (چاپ سوم). تهران: انتشارات رشد.
- سلطانی، ع. ا. (۱۳۸۴). قدرت، گفتمان و زبان: سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران. تهران: نشر نی.

فاولر، ر. (۱۳۸۱). ادبیات به‌منزله کلام. در ر. فاولر و دیگران، (صص. ۹۰-۸۱)، *زبان‌شناسی و نقد ادبی*، (م. خوزان و ح. پاینده، مترجمان)، (ویرایش دوم). تهران: نشر نی.

مورهاوس، س. و استول، ج. ل. (۱۳۷۱). *روش‌های آماری و کاربردهای آن در تربیت بدنی*. (ح. سپاسی، مترجم). تهران: رشد.

- Al-Shehari, K. (2007). Semiotics and the translation of news headlines: Making an image of the other. *Translation Studies in the New Millennium: An International Journal of Translation and Interpretation*, 5, 1-16.
- Attaran, A. (2010). *Translation of news texts in Iranian websites: The case of tabnak (A critical discourse analytical approach)*. Unpublished MA thesis, Tehran: Allameh Tabatabae'i University.
- Bakhshandeh, E., & Mosallanejad, P. (2005). Journalistic transcreation: A new approach. *Translation Studies*, 3(9), 25-44.
- Bani, S. (2006). An analysis of press translation process. In K. Conway & S. Bassnett (Eds.), *Translation in global news (Proceedings of the conference held at the University of Warwick on 23 June 2006)* (pp. 35-45). Warwick: The University of Warwick.
- Brown, G. & Yule, G. (1983). *Discourse analysis*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Eggs, S. (1994). *An introduction to systemic functional linguistics*. London: Pinter Publishers.
- Fahim, M., & Fattahi, A. (2006). Discoursal thematization processes in news translation. *Translation Studies*, 4(13), 8-26.
- Fairclough, N. (1989a). Language and ideology. *English Language Research Journal*, 3, 9-27.
- Fairclough, N. (1989b). *Language and power*. London and Harlow : Longman.
- Fries, P. H. (1995). Emergence and development of the concept of theme. In M. Ghadessy (Ed.), *Thematic development in English texts* (pp. 1-19). London & New York: Pinter.
- Hajmohammadi, A. (2005). Translation evaluation in a news agency. *Perspectives: Studies in Translatology*, 13(3), 215-224.
- Halliday, M.A.K. (1978). *Language as social semiotic; the social interpretation of language and meaning*. London: Edward Arnold.
- Halliday, M.A.K. (1985). *An introduction to functional grammar* (1<sup>st</sup> Ed.). New York: Edward Arnold.
- Halliday, M.A.K. (1989). *Spoken and Written Language*. Oxford: Oxford University Press.

- Halliday, M.A.K. (1994). *An introduction to functional grammar* (2<sup>nd</sup> Ed.). New York: Edward Arnold.
- Halliday, M.A.K. (2001). Towards a theory of good translation. In E. Steiner & C. Yallop (Eds.), *Exploring translation and multi-lingual text production: Beyond context* (pp. 13-18). Berlin: Mouton De Gruyter.
- Halliday, M.A.K. (2004). *An Introduction to Functional Grammar* (3<sup>rd</sup> Ed.). Revised by C.M.I.M. Matthiessen. London & New York: Arnold.
- Halliday, M.A.K., McIntosh, A. & Strevense, P. (1964). *The linguistic sciences and language teaching*. London: Longman.
- Hatim, B., & Mason, I. (1997). *The translator as communicator*, London & New York: Routledge.
- Hatim, B., & Munday, J. (2004). *Translation: An advanced resource book*. Oxford & New York: Routledge.
- House, J. (1997). *Translation quality assessment: A model revisited*. Tübingen: Niemeyer.
- House, J. (2001a). How do we know when a translation is good? In E. Steiner & C. Yallop (Eds.), *Exploring translation and multi-lingual text production: Beyond content* (pp. 127-160). Berlin: Mouton De Gruyter.
- House, J. (2001b). Translation quality assessment: Linguistic description versus social evaluation. *Meta*, 46(2), 243-257.
- House, J. (2001c). Quality of translation. In M. Baker (Ed.), *Routledge encyclopedia of translation studies* (pp. 197-200). London and New York: Routledge.
- House, J. (2009). *Translation*. Oxford & New York: Oxford University Press.
- Leech, G. (1983). *Principles of pragmatics*. London: Longman.
- Marco, J. (2000). Register analysis in literary translation: A functional approach. *Babel*, 46(1): 1-19.
- Riazi, A. M. (1999). The contribution of text analysis to translation: The case of newspaper editorials. In K. Lotfipor Saedi (Ed.), *Proceedings of 3<sup>rd</sup> Tabriz Translation Conference* (pp. 222-231). Tabriz: Tabriz University Press.
- van Dijk, T. (1982). Episodes as units of discourse analysis. In D. Tannen (Ed.), *Analyzing discourse: Text and talk* (pp. 177-195). Washington D.C.: Groggetwon U.P.
- van Dijk, T. (1998a). Opinions and ideologies in the press. In A. Bell & P. Garrett (Eds.), *Approaches to media discourse* (pp. 1-63). Oxford: Blackwell.
- van Dijk, T. (1998b). *Ideology: A multidisciplinary approach*. London: Sage.
- van Leeuwen, T. (2008). Representing social actors. In T. van Leeuwen (Ed.), *Discourse and practice: New tools for critical discourse analysis* (pp. 23-74). Oxford & New York: Oxford University Press.

- Vuorinen, E. (1995). News translation as gatekeeping. In M. Snell-Hornby, Z. Jettmarová & K. Kaindl (Eds.), *Translation as intercultural communication* (pp. 161-172). Amsterdam: John Benjamins.
- Zequan, L. (2003). Register analysis as a tool for translation quality assessment. *Translation Theory*, 7(3). Retrieved from <http://translationjournal.net/journal//25register.html>

